

حقیقت

شماره ۱۱۲ ۱۶ اسفند ۱۳۵۹

خبرنامه شیرامون اعتصاب کارکنان شرکت واحد

فقط نشاندهنده: برخاستن یک
موج اعتصابی در جنبش کارگری
ایران است. در هفته‌های اول
اسفندماه، دغانیات، شرکت
واحدتهران، بسیاری از کارکنان
بقیه در صفحه ۴

در جلسه روز چهارشنبه
۵۹/۱۲/۶ "کانون شوراها
بلی تکنیک" از اعتصابات
کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی
و خدماتی بسیار نام برده شد که

سرمقاله

مسئله چماقداری وراه حل آن دسته‌های چماقدار و سازماندهندگانشان

در شماره پیشین این نشریه وعده دادیم که درباره عوام و سوجبات رواج پدیده چماقداری در کشور و راه مقابله با آن گفتگو کنیم. چماقداری اصطلاح خاصی است که به عملیات هجوم و تخریب و جنگ و دعوا سازی دسته‌های قلندر همیشه "فوق قانونی" که برای برهم زدن اجتماعات مسردم و کردهم آئی‌های سازمانها به کار می‌روند، اتحادیه‌های سیاسی و صنفی، به تعطیل گذاشتن مطبوعات و یا به زور بستن و کشودن با زاروداشنگاه و غیره صورت می‌گیرد، اطلاق میشود. معمولاً چون این دسته‌ها خصوصاً در آغاز کار با چوب و چماق حرکت میکنند خودشان به چماقدار و عملیاتشان به چماقداری و چماق کشی معروف شده است، و گرنه انواع سلاحهای سرد و بعداً زچندی هم سلاحهای گرم در دست آنها یافت میشود. دسته‌های چماقدار بعنوان بیسگت قاعده عمومی از سردستان معینی پیروی میکنند و این سردستان هم از طرف مرکز با مراکز معینی هدایت میشوند.

پیروزی کارگران ماشین سازی اراک

مقدمه

مدتی است که زمزمه برکت‌ها و اکیه‌ها در اقصای نقاط ایران بگوش میرسد. در کارخانه ماشین سازی اراک هم این موضوع کم و بیش مطرح بقیه در صفحه ۹

مردم هشیار باشید! نیروهای انقلابی و کمونیستی بخود آید! خطر سازش جدید است!

هیئت پرطمطراق از شخصیت‌های عالیرتبه کنفرانس اسلامی به تهران آمد. بقول احمدسکوتوره مقصد این هیئت خاموش کردن آتش جنگ بسوده بقیه در صفحه ۳

یادداشتی بر اجتماع امجدیه

صفحه ۲۶

اخباری از گیلان

صفحه ۱۸

اعتصاب در انبارهای عمومی

صفحه ۱۲

گزارشی از عملکرد امام جمعه حزبی در هشتروند

صفحه ۲۳

راهپیمایی کارگران کارخانه مینو

صفحه ۲۶

یادکارگر مبارز جهانگیر قلعه میان‌دوآب

صفحه ۱۵

دزدی 'سوسیالیستی' از اموال ایران

صفحه ۱۵

اخباری از سایر کشورها

صفحه ۲۶

مبارزه کارگران قرقره زیبا

صفحه ۱۱



مسئله چماقداری

بقیه از صفحه اول

روستاها درست کرده بود، که بسا شعراهای شاهپرستانه و عکسهای شاه معدوم به اجتماعات و مجالس بحث و سخنرانی و حتی راهپیماییهای مردم حمله میبردند و سعی در بهم ریختن آنها و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم داشتند. این چماق کشیها بعنوان افزایش رکمی در دست مقامات امنیتی و انتظامی رژیم در حال سقوط شده ایفای نقش میکرد و ظاهراً «مردمی» و «توده‌ای» به میانه رژه شان علیه مردم میداد. البته بی شماری این اقدامات در برابر موج غول آسای جنبش توده‌ای کاملاً مشهود بود. در آن اواخر کار، در زمان نخست وزیری بختیار خاکن، تنه‌ها شعارها بنا بر مصلحت اوضاع تغییر کرد و اینبار چماقداران استبداد پهلوی بنام «دفاع از قانون اساسی» به عملیات تحریب و ترور خود مشغول شدند. پس از انقلاب بهمن و تشکیل رژیم جمهوری اسلامی چماقداری بشکلی جدید و بعنوان وسیله قدرت گیری شخصیتها و احزاب ارتجاعی نوپا، که قصد اعمال قدرت، عقب زدن رقبا و نیروهای مخالف خود و تحمیل سلطه خویش بر مردم داشته‌اند، بسرعت باب گردید و بسط و توسعه یافت. و همچنین خانها و ملاکان نسیب برای ارباب و سرکوب جنبشهای دهقانی به سازمان دادن این گونه دستجات در روستاها اقدام کردند. در آذربایجان طرفداران

شریعتمداری و حزب غلشی مسلمان، در کردستان دارودسته مفتی زاده، قیادهای ها و حزب دمکرات قاسملو، در ارومیه گروه مرتجع ملاحسنی و در سایر استانها و شهرستانها فلان مرتجع محلی و بیهمان دارودسته خودکامه دارای دسته‌های چماق دار و تشقرق راه انداز خود شدند مدنی معروف نیز در زمستان استانداریش در خوزستان و همچنین در جریان فعالیت استخبا با تیش برای ریاست جمهوری در تهران و برخسای نقاط دیگر دارای واحدهای چماق بند و عریبه کش خود بود، که بقول بنام «حزب خدائی» ها در کنار «حزب الهی» ها به ولینعمت خود خدمت میکردند. اما از همه مهمتر سازمان یافته تر، که بطور سری راه و رسم چماقداری را بعنوان وسیله اعمال قدرت و تحمیل سلطه در تمام این دو سال رواج و گسترش داد، حزب جمهوری اسلامی و سران این حزب بودند. هستند، اعضای تشکیل دهنده همه این دسته‌های چماقدار را معمولاً و با تنوع و عنا صریبی طبقه شهرها، که عموماً مراسم و مسلک خاصی نداشته و با پول خریده میشوند، بوجود می‌آورند. ولی در میان آنها دانشجویان، کارمندان و کارکنان دولت، شاعران و نویسندگان، استادان و دبیران، کارمندان دولتی و غیره، که در گذشته‌ها از میسران اینان و ولی عموماً از میسران میدان دارها، با فرودها و قاچاقچی‌های بازار، که سنتها با لومپن پرولتاریا محسوس هستند، میبانشند. در اولین عملیات چماقداری پس از قیام که از قیام با زار بود که کمیته انتقال با زار را میگرداند. به علاوه دسته‌های چماقدار، که به طور عمده با سران حزب جمهوری اسلامی و کمیته‌های زیرنفوذ آن در شهرها رابطه دارند، از ترکیب و سابقه سیاسی خاصی نیز برخوردارند. بسیاری از

دسته‌ها و سازماندهندگان نشان داده‌دهنده، جریانات ارتجاعی و تبیهکار گذشته نظیر حزب زحمتکش بقا، آیت الله کاشانی، دسته فدائیان اسلام و پانته‌های بهائی کشی درون ارتش محمدرضا شاه و مساجد و تکیه‌ها، ما نند مسجد حجتیه تهران (که آقای آیت یکبار در مجلس از آنها بعنوان سازمان مسلح همکاران خود علیه سلطنت محمدرضا شاه یاد کرد ولی در واقع همه این باندهای بهائی کشی بمنظور ایجاد انحرافات و توطئه دربار پهلوی تقویت میشدند) میباشند، که توسط سرده‌ها و سازماندهندگان جدیدی هم تکمیل و تقویت شده‌اند. با این دسته‌ها تعدادی از فرادسا و اکام محمدرضا شاه، که گاه تباراس برخی کمیته‌ها نفوذ پیدا کرد و با ندکاملی از همکاران خود تشکیل داده‌اند، به برکت توبه «مکتبی» وارد شده‌اند همچنین حزب مزدور توده و عنا صرخود فروخته آن در سازمان این دسته‌ها و عملیات چماق داری آنها نقش بازی ایفاء کرده و سابق و با کار دانی تقویت میکنند. در این اواخر اکثریتی‌های با صلاح فدائی خلق نیز به رفقای توده‌ای خود پیوسته و در این تبیهکاریها شرکت میکنند.

امروزه راجع به بحث چماق داری است بحث از حزب جمهوری اسلامی و سران این حزب و همچنین همداستان رنگارنگ این حزب میباشند. زیرا در همه جا چماقداران و دسته‌های که به اجتماعات سازمانها و مراکز گوناگون حمله میکنند شعارهای این حزب را میخوانند و عکسهای رهبرانی از این حزب را تکان میدهند. مردم ایران بدرستی منبع و سازمانده اصلی این چماقداری‌ها یعنی حزب جمهوری اسلامی و رهبران تبیهکار آنرا شناخته‌اند و صدای اعتراض خود را علیه

این حزب بلند کرده‌اند. این شناسائی صحیح نه تنها بطور شارات و اظهارات و عکس چرخانی‌های دسته‌های چماق دار میباشند، بلکه بخصوص بدین خاطر است که میان عملیات تبیهکارانه چماقداران علیه حقوق دمکراتیک مردم در خیابانها و بیانات و اقدامات سران حزب کذائی همگی و همخوانی کاملی وجود داشته و کلاً جهت گیری سیاسی یکسانی پیروی میکنند. هم چنین بدین خاطر که رهبران حزب نامبرده در همه جا از چماق داران حمایت کرده و با تمام امکانات دولتی خویش بسه یاری آنها میشتابند. برای همین رهبران این حزب هر جا و از طرف هر کس که اعتراضی علیه شرارت و زبیها و وحشیگری‌های این دسته‌ها بلند میشود، فوراً در صدد توجیه و تبرئه دسته‌های یاد شده برآمده و آن اعتراض را بعنوان توطئه و تحریکی علیه خویش محکوم می‌کنند.

نمونه اخیر این واکنش برخورد رهبران این حزب به نامه سرگشاده احمد خمینی بود که در اعتراض به هجوم چماق داران ۳ بدست به مجلس سخنرانی لاهوتی در گیلان خواند. ستار قلع و قمع دستجات چماق دار و ترشیا اثر «مسئولین امر» به این قضیه شده بود. در این زمان واکنش رهبران حزب حاکم چون آقایان بهشتی و معادینخواه و قماش آنها بسیار جالب توجه بود. جناب آیت الله بهشتی که ریاست شورای عالی قضائی را نیز بعهده داشته و وظیفه خود را حفظ امنست و آسایش مردم و پاسداری از حقوق سیاسی و مدنی جامعه آنهم بشیوه «انسانی اسلامی» میداند، طی مصاحبه‌ای گفت: «نامه احمد خمینی» را خواندم، تا آنجا که مربوط به ضرورت جلوگیری از برهم زدن بقیه در صفحه ۲۴

خاطره‌سازش

بقیه از صفحه اول —
 است. ورود این هیئت به ایران
 واستقبال که از آن صورت گرفت
 مت حکایت آن دارنده نیروی
 های حاکم درجا مع ما هر روز به
 سوی سازش با سعت تجا و زکسار
 کشیده میشوند و این خطری بزرگ
 است. البته مواضع رسمی ایران
 که توسط آقای خمینی و بنی‌مدر
 اعلام شده‌ها کی از آن بوده که ایران
 شروع مذاکره‌ای را منوط به
 اخراج نیروهای تجا و زکسار از
 مناطق اشغالی میدانند. این
 مسئله در حقیقت اشکالی است
 ایمن و با و معمولی ملت ماست
 که تسلیم در برابر بر قدرتها را
 نمی‌پذیرد و طرح‌های غاشقانه
 را بکنار می‌ریزند.
 اما خطر جدی است.
 سازشی دیگر در برابر امپریا-
 لیسم و عوامل بعثی‌شان در راه است
 و ملت ما با بقا طعنه به تقابله
 با آن بپردازد. تجربه ملت ما
 در مورد مسئله گروگان‌های آمری-
 یکایی که بعد از کشتن‌های
 بسیار عاقبت به دست عوامل مسل
 حزب استبداد دمی جمع‌سوری
 اسلامی آزاد شدند نشان میدهد
 که نطفه‌های سازش‌های بزرگ‌با
 شیاطین اژدرای کلمات قاطع
 و احکام بی برگشت مربوط به
 " مبارزه سازش‌نا پذیر" خود
 را برجا می‌آورد که بخش مهمی از
 قدرت سیاسی را به حزبی استبداد
 جوهر متمایل به بر قدرتها سپرده
 تحمیل میکند. نیروهای
 پرروایی و خرده‌بورژوازی ملی
 درجا مع ما نیز اگرچه از زبان
 رهبران خود سازش‌نا پذیر سوری

خود را اعلام میکنند و برای سازش
 شرط‌هایی فاضل میشوند اما
 همچنانکه تجربه گروگان‌های
 جاسوس نشان داد خودشان هم
 سرکه‌ام‌درجی سارشکار بوده و
 یادسنگ‌توانایی این را
 ندارند که با آنها در دست‌های
 انقلابی مبارزه را از این دست
 در آورند.
 بنا بر این خطر سازش هر
 روز جدی‌تر میشود. حرکت
 استبداد دمی نه حزب جمع‌سوری
 اسلامی که اغلال در حبه و پشت
 حبه را دامن می‌زند همراه با
 تمایل این حزب به کرنش در
 مقابل ابر قدرتها در درجه اول
 بزرگ‌ترین زمینه ساز این
 سازش است. سیاست تکیه بر
 جنگ کلاسیک و با لطمه نظامات
 ارتش نیز که توسط سردمداران
 لیبرال ملی و بطور مشخص آقای
 بنی‌مدر دنبال میشود و امروزه
 حمایت آقای خمینی را نیز
 داراست نیز حداقل اینست که
 بدلیل سلباقتی بسیاری از
 امرای ارتش و خیانت بسیاری
 دیگر در حبه‌ها موثقت خطرنا-
 کی را بوجود می‌آورد و در همین
 حال حبه جنگ را از امکانات
 توده‌ای نبردهای دراز مدت
 محروم میکنند و چنانکه بارها
 دیده شده است دلسردی در میان
 نیروهای آزادی‌خواه جنگ توده‌ای
 بسیار می‌آورد. راینها نبود
 زمینه ساز سازش هستند (مادر
 اینها از بحث مسئله خطر کودتاها
 و گنمکن‌های ارتجاعی خطرنا-
 کی که این سیاست تکیه بر
 ارتش می‌تواند سار و آورده‌شود
 در میگذریم). مسئله سوم
 در حبه ایران این است که
 تمایل استبداد طلبان به کرس-
 نش در سار برابر بر قدرتها و سیاست
 جنگ کلاسیک سار مانده‌ها
 صری که بمباری‌شان پرونده
 خائنه‌های در رابطه با مسئله
 میهن و انقلاب دارند و از همه
 اینها گذشته با طولانی‌شدن جنگ
 مسئله سلاح را به مسئله کلیدی
 مبدل می‌نماید و گرایش بسوی
 سازش با قدرتها بزرگ‌کسه

اساس مرا حائنین به ملت است
 را در کل حبه تفویض میکنند و از
 آنجا که قدرتها بزرگ خود
 سارها سارندگان سار و سارم
 سوده‌اند سار سار سار سار
 آنها هم معنایی بجز سازش در
 جنگ ندارند و میهن ما را به عرصه
 ناحت و تا از این قدرتها مبدل
 خراش کردند. سار توجه سار سار
 فوق است که ما بید خطراتی کسه
 سار سار ملی و میهنی را در ایران
 تهدید میکنند سار سار و در
 رابطه با سار آقای اولاف پالمه
 و اینک این هیئت عالی‌رتبگان
 به آن توجه کرد. ما در شماره‌های
 قبلی نشریه " حقیقت " بارها
 به مردم ایران خطر سازش را
 گوشزد کرده و ضرورت مبارزه با
 آنرا مطرح نموده ایم و در اینجا
 تنها به تکرار رهنما‌های فوق
 بر اساس سار اهد حدید اکتفا نمی-
 کنیم و توجه مردم ایران. و
 رزمندگان حبه‌های سار را به
 این نکته طلب میکنیم که آقای
 ضیاء الحق آمریکایی‌الریاب
 میگوید که " پس از سار دل نظرها
 امید زیادی به حل مسئله جنگ
 دارد " و سار شیکه آقای حبیب
 تطبی مکار هم سار میگوید که آنها
 با برنا مه‌ها و پیشنها دا تنبایدی
 به ایران آمده‌اند. " اما هیچ
 پیشنها دی از جانب هیئت ملی
 نشیود. زمانیکه " نام‌های
 از جانب ایران برای سار
 حسین ارسال میشود " (اطلاعات
 دوشنبه یا زده‌ها سفند) اما ملت
 از محتوای نام‌های خبرمی-
 مانند. و با لآخره زمانی که سار
 حسین در سار دتلاش سار
 هیئت کنفرانس اسلامی را مورد
 تحسین قرار میدهد! ملت باید
بدا ندکه در سار سار سار
خطا به سار سازش بزرگ دیگری
با شیاطین بزرگ و کوچک در سار
تکرین است.
 بیداست که در شرایط
 کنونی کمونیستهای انقلابی
 و همه رزمندگان راه استقلال
 و آزادی ایران باید در مقابل
 این سازش بزرگ ایستند.
 آنجا ما بید مسئله نیروها بی

را که این سازش را با دشمن
 سار و زکریه ملت ما تحمیل می-
 کنند افسانه کنند و راه مقابله با
 آن را به مردم بسار یا سار ما
 سارهای به موضعگیری‌های سار
 جب سار و سار سار سار سار
 توده‌های این ملت نشان می-
 دهد که آنها در غوطه و رشدن در
 غرقاب سار اشخافکارانه
 خودشان از هرگونه مبارزه سار
 علیه این جریان عاجز مانده-
 اند. آنها زمانیکه مبارزه صد
 امپریالیستی ملت ما در نتیجه
 اشغال سار سار سار سار
 اعتلایی نوین یافت از پشتی-
 بانی از این مبارزه سار سار
 زنده و در ادامه آن هنگامیکه
 نیروهای ارتجاعی به سازش با
 امپریالیسم رفته در واقع دست
 دشمنان بشریت را در سار راه
 آزادی گروگانها فشرده‌اند
 افشای این سازش در مانده‌ها
 اینک همین فاجعه را در سار
 مسئله جنگ میهنی با تجا و ز-
 کاران بعثی تکرار میکنند.
 آنها از شرکت در جنگ میهنی
 طفره رفتند و دفاع از میهن را
 در مقابل توطئه‌های امپریا-
 لیسم و عاملش تخطئه کردند.
 آنها شعار " قطع حبه " (" وحدت انقلابی ") را در روز
 نام‌ها شان مطرح کردند و آنرا
 خواست مردم ایران (در واقع
 خواست خودشان) جلوه دادند.
 بنا بر این امروز از افشای
 خیانتی که در رابطه با این
 جنگ در حال تکوین است سار
 توانند. ما یکبار دیگر سار
 داران و اعضای گروههای سار
 زمانهای چپ‌نما و اشخافکاران
 را در جنبش کمونیستی دعوت
 میکنیم که به تجربه عملگر خود
 در رابطه با مسئله گروگان‌ها و
 همچنین مسئله جنگ بنگرند و
 عبرت بگیرند. زمانی بود که
 دفاع ما از مبارزه ضد امپریا-
 لیستی و شرکت ما در جنگ ملی
 را روی یونیسف می‌خواستند
 میگفتند که " اتحادیه " در سار
 بیج سار سار سار سار
 بقیه در صفحه ۱۴

شرکت واحد

بقیه از صفحه اول —
خانه‌ها در شهر صنعتی السرزدر نزوین، کارگران انبارهای عمومی تهران و... با خواسته های مختلف بروی اعتصابات رفتند.

دلایل این اعتصابات که اکثریت قریب با اتفاق آنهاست، اقتصادی و رفاهی بودند، بسیار روشن است. بحسب میزان اقتصادی ای که از زمان رژیم سابق شده، پهلوی برای همین پایه یادگار مانده است. بسا شوط های امپریالیست ها و فدا انقلابیون، با عدم قاطعیت و تنزل در حل آن و بخصوص بسا چپا و لگری ها و برنامہ های نسد انقلابی ارتجاع نویسی که در حال شکل گرفتن است و بسسه محتکرین، دلالان و سودجویان وسیع ترین میدان را بسرای تاخت و تاز داده است، هرروره عمق و گسترش بیشتری میابد. ارعواق اجتماعات بسا پذیرایی بحران، نوطه های امبریالیستی و فدا انقلابی و انحصار کریبهای دلال صفتانه حزب بیرون حاکم، گرانی و تورم، کمبود و بسایی ما یحتاج اولیه و رشد وسیع با زارسیا ه بدست سودجویان و محتکرین، با ثین رفتن قدرت خرید مردم و... است. بسا راضی فنا رناشی از ایسن اوضاع اقتصادی مستقیما بسر دوس طبقات زحمتکش جامعه، کارگران، دهقانان، بیسده رران، کارمندان و... خراب میشود. مطمئنا کارگران که بیشتر عسار اعتصاب می

گردند، در مقابل آن واکنش نشان میدهند که بصورت اعتصاب نمایان میگردد. در عین حال دولت " مکنسی" و با اصطلاح " ضد امپریالیست" رجایی که خود سرانده سازدگی مردم و بخصوص کارگران باری میکند، بطور خودسراسه بودویزه را در تابستان ۲ ماه تقلیل میدهد، باز هم بطور خودسراسه آن را بالکسل لغو می نماید و با انواع و اقسام حیلہ ها و سیرکیبا قصد برسودن این حق مسلم کارگران و بسا بخش سهام از دست مزدکارگران را دارد، ساعت به چشم آمدن کارگران میشود، و کارگران بسه درستی در مقابل این خودسریها و زررگویی های فدا انقلابی و کنش نشان میدهند. اینک بسا خود اسنمرار و وضعی ایسن بحران اقتصادی در طول تمام سال گذشته، چرا کارگران در این زمان دست به اعتصاب و اعتراض رده اند. مدعیان آنستکه بیاررات کارگران در مورد بودویزه، با داس و عسندی فصلی بوده و معمولاً در ایسن دوران ها اوج مییابد. (سرای توضیح بیشتر خواستگان می توانند بسسده بسسده مقالات " کارگران و سودویزه" در " حقیقت" های ۱۰۷ و ۱۰۹ رجوع کنند) ایسها هستند دلایل برخاستن این موج اعتصابی و پایه های مادی که بطور وسیع رخلامه آورده شد، بحسب اسر این موج اعتصابی درستی ارزیابی ما را در ایسن مورد که در " حقیقت" های ۱۰۷ و ۱۰۹ در مقالات پیش یاد شده مطرح شده، ثابت میکند.

روش کمونیست ها و انقلابیون راستین نسبت به این اعتصابات کارگری چه باید باشد؟

در حلسه " کانون شورا" مای بسی بسسده که در اسر

از آن با دگردیم، عده ای بسا دلایل متفاوت این اعتصابات را محکوم کردند. کسی گفت که از طریق انجمن اسلامی منصف خیاط خبر رسیده است که یکسی از عسار بسا کارگری شده بسدیگانه بسی در شرکت واحد محرک اعتصاب بوده است!! (لاند حدس میزنید که این راجه " کسی گفت" اشباه میکنند بین تحلیل صدر مدبلیسی از آن حزب جمهوری نیست. " سرادر" ش حزب بوده این چنین صحت کرده است!!).

عده ای، آگاه یا نا آگاه، بسا مطرح ساختن شرایط جنگسی اعتصابات های کارگری بسرای خواسته های اقتصادی و رفاهی را محکوم میکنند. بسا لخره یکی از کارگران بسسده توگفت: بسر فرض که وجود محرکین صحت داشته باشد، بسا گذارید قبول کنیم که اعتصاب در این شرایط خوب نیست و... ولی حالا که کارگران اعتصاب کرده اند و در مقابل دولت ایسنا ده اند، ما طرفداری هستیم؟ موضع کانون چیست؟ شورا و بسسده بسسده بسا بسا کارگران را تا بسدیگه در دیا دولت را، کانون چه میکنند؟ صحت های فوق ما عکس العمل موافق کارگران رو بروند چون حرف حساب بود. کمونیست ها و انقلابیون هم حرف حساب میزنند: اعتصاب، شکل و بسسده میارزه منحدانه کارگران برای بدست آوردن حقوقشان، برای ایستادن در مقابل زور گویی های سرمایه دار و عواملشان در دولت و خارج از آن میباید. کارگر حرنیروی کار خود جیسزی ندارد و برای امرامعاش، برای گذران زندگی بسخورد و بسیر خود و خانواده اش، این تنهسا ما بسملک خود را در معرض فسروش میگذارد. در مقابل سرمایه دار، بسا انواع حیلہ ها و فریب ها، با اعمال زور، با وجود آوردن شرایط و بسسده ای، کوشش میکند تا بسای تیروی کار را بالکسل دهد، تا حق واقعی کارگر را بسیرد و کارگران را بسا

این زورگویی ها، این حیلہ ها و فریب های سرمایه دار، بسرای بسیر کردن شرایط فروش بسیروی کار حویش، حربه ای بجز بسا رزه متحدانه یعنی اعتصاب ندارند. زما بسیکه فشا را قضا دی زیاده میشود، زما بسیکه قیمت همه کالاهای اساسی افزایش مییابد، کارگران محصور می شوند تا برای حفظ موقعیت خود برای آنکه شرایط زندگی شان از آنچه که هست وخیم تر نگردد. دست به اعتصاب و مبارزه بسزند. اعتصاب کارگری احتیاج بسه " محرک" مصنوعی و " اسپر" بالیستی ندارد. عوامل محرکه، آن در بحران اقتصادی فقر و فلاکت روز افزون کارگران و... سهفته است.

ایست دلیل واقعی و علمی اعتصابات!

بسا بسرای کمونیست ها در مقابل اعتصابات کارگری نمی ایستند (بحرفات نظریه فدا انقلابی و ارتجاعی بوده ایسها و اکثریتی ها) بلکه قاطعانه از آن پشتیبانی کرده و در راه پیروزی اعتصاب و رسیدن کارگران بسا اهداف شان تمام هم و غم خود را بکار میگیرند! اینک عده ای نا آگاهانه " شرایط" را بسرای عدم دفاع از اعتصابات کارگری و بسا حتی محکوم کردن آنها بسه میکنند، از پایه های اساسی است. زیرا خود بسرا ه افتادن اعتصاب کارگری نشانه شده است. آن شرایطی است که دیگر کارگران تاب تحمل آن را ندارند! بسا بسرای اگر بخواهیم مشخصتر بسر خورد کرده و جواب آن دوست کارگر در " کانون" را بسدهیم، خواهیم گفت که در شرایط عسسی کونی ما از اعتصابات کارگری در مقابل دولت و سرمایه داران پشتیبانی می کنیم.

ولی کمونیست ها در همین حد توقف نمیکنند، کمونیست ها فقط برای این جنگند و فقط بسرای این در درون طبقه کارگر فعالیت نمیکنند که شرایط بسسده در صحت

شرکت واحد

بقیه از صفحه ۴
 بهتری برای فروش نیروی کار کارگران فراهم شود. کمسو- نیستها در درجه اول برای این می جنگند که آن شرایط اساسی را که کارگران را مجبور میکند نیروی کار خویش را بفروشند، از میان برداشته شود! بنا بر این کمونیستها خام خیال نیستند و به طبقه کارگر میگویند که نباید از مبارزه اقتصادی قدم مهمی به پیش گذارده و وارد عرصه مبارزه سیاسی جامعه گردد. چرا که برای از میان برداشتن آن شرایط خفت باری که کارگر را بصورت برده در آورده است، طبقه کارگر در درجه اول باید برای بدست آوردن قدرت سیاسی، برای تبدیل شدن از یک طبقه محکوم به یک طبقه حاکم مبارزه بنماید. بنا بر این کمونیستها در عین پشتیبانی از اعتصابات اقتصادی کارگران، کوشش میکنند که مبارزه آنها را بسوی مبارزه سیاسی منحرف نکنند، طبقه کارگر را به عرصه مبارزه سیاسی بکشانند و خواسته های اساسی سیاسی را در هر نقطه مشخص مطرح سازند! بطور مشخص در شرایط کنونی، طبقه کارگر میباید آگاهانه و مجدداً برای تعمیق و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران وارد مبارزه گردد، آگاهانه و مجدداً بر علیه توطئه ها و دسایس قدرتمند های بزرگ جهانی و بخصوص امپریالیسم آمریکا که قصدش بودی انقلاب و استقلال ایران

را دارنده بویژه در جنگ تجاوزکارانه، اشراربعشی تبلیورمی- باشد و از مبارزه کرده، آگاهانه و مجدداً آزادی های سیاسی و اجتماعی که از طرف مرتجعین جدید و قدیم و پشتیبانیان جهانی شان به نابودی تهدید میشوند و بویژه علیه حزب انحصارطلب، خیانت پیشه و مستبد جمهوری اسلامی وارد مبارزه گردد، بیک کلام آگاهانها و مجدداً در راه تامین کامل آزادی و استقلال ایران و پیروزی تام و تمساک انقلاب به مبارزه ای بی امان دست یازد! کمونیستها با هدف سوق دادن مبارزه کارگران بسوی این مبارزه اساسی - کوشند و می جنگند! بنا بر این قاطعانه از مقاومت ملت ایران در مقابل تجاوز امپریالیستی اشراربعشی حمایت کرده و در آن شرکت میکنند، قاطعانه از مبارزه آزادخواهان ملت ایران در مقابل امپریالیسم نده حزب جمهوری ویراننش حمایت کرده و در آن شرکت می کنند و میخواستند تا طبقه کارگر پیشگام این مبارزات گردد و مهر را دیگالیم خود را بر آنها بکوبد!

ممکن است عده ای سؤال دیگری مطرح کنند مبنی بر این که آیا کمونیستها و کارگران پیشرو در این شرایط - اعتصاب اقتصادی را، میندا زندیانه؟ البته این سئوالی فرضی نبوده و در واقع کنونی جامعه ما جنبه واقعی دارد. کمسو- نیستها به این سئوال چگونه پاسخ میدهند؟

جواب خیلی روشن است. اصلاً این بدست کمونیستها و کارگران پیشرو نیست که اعتصاب راه بیندازند و یا نه! اگر دست کمونیستها بود، واگسر مبارزه طبقه ای به میسسل و اراده کمونیستها به پیش می رفت، آنها ابد این کار را نمیگردند. بلکه بالعکس کارگران را ابد اعتصابات سیاسی به مبارزه برای برانداختن کامل نظام منحط و وابسته

امروز - دعوت می - کردند و آنگاه مسایل اقتصادی ناشی از این نظام امپریالیستی انقلابی و بطور بسیار سریع قابل حل میبود. ولی مبارزه طبقه ای به میل و اداره کمسو- نیستها به پیش نمیروند. کارگران علیرغم ذهنیت هرکسی - کمونیست و غیر کمونیست - به اعتصاب دست میزنند. سئوال صحیح آنست که در مقابل مبارزه، طبقه ای جاری طبقه کارگر و ارتباط آن با مبارزه عموم می در سطح جامعه می کنیم؟ ما جوابش را در بالا داده ایم. ممکن است کمونیستها یک شیوه مبارزاتی را در شرایطی - شیوه دیگری از مبارزه ترجیح دهند، ولی این امر هیچوجه دلیل آن نیست که اگر کارگران شیوه مورد دلخواه کمونیستها را بپذیرند، از آن مبارزه روی برتابند، هرگز! در آن فعالانه شرکت میکنند و سعی در ارتقاء آن مینمایند! هرکس میخواست انقلابی باشد چنین میکند.

از این بحث بگذریم. ما در زیر یک نمونه از اعتصابات کنونی، اعتصاب کارکنان شرکت واحد را مورد بررسی قرار میدهیم. انتخاب این اعتصاب بدان دلیل است که له و علیه آن تبلیغات گوناگونی صورت گرفت. این امر نیز خود بی دلیل نیست. اعتصاب کارکنان شرکت واحد در تهران بسیار سریع بر بخش وسیعی از اهالی بزرگترین شهر ایران تا شیر میگذارد و بنا بر این خواسته ها و مضمون مبارزه شان بسرعت پخش میگردد. و از طرف دیگر دولت نیز برای خنثی کردن تا شیر این اعتصاب، تمامی نیروی خود را - بخصوص در بخش دروغ پراکنی و لجن پاشی - بسیج نمود. بررسی آن از این نقطه نظرات آموزنده میتواند باشد!

چرا اعتصاب آغاز گردید؟

اعتصاب کارکنان شرکت واحد تهران به این دلیل برافشاند که مقامات دولت "مکتبی" و "مستضعف پرست"!! زیر قرارداد ای که ۸ ماه پیش خودشان امضاء کرده بودند، زدند! بر طبق قرارداد ای که در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۳ بین کارکنان شرکت واحد و بوسرانی تهران از یکسو و مدیرعامل آن شرکت و شهردار تهران از سوی دیگر امضاء رسید قرار بر این بود که با حقوق نیمه دوم بهمن مسال، معادل ۶۲ روز حقوق بعنوان پاداش وعیدی پرداخت گردد. ولی پس از کس وقوسهای فراوان که از او آخربهمن ماه آغاز شده بود، بالاخره اعلام گردید که دولت این حق مسلم کارگران را پرداخت نخواهد کرد. کارکنان مناطق ۱ و ۲ شرکت از روز ۴ اسفند در اعتراض به این اقدام خودسرانه وزور گویانه دولت دست از کار می کشند.

اولین سئوالی که مطرح میگردد اینست که چه کسی محرک واقعی این اعتصاب بود؟ آیا بقول آن "کس" توده ای یکی از عناصر پاکسازی شده سندیکا بی "مجهول الهویه" یا بقول مقامات دولتی "عوامل ضد انقلاب" در همه جا حاضر!!؟ غیراً بسیار روشن است که چه کسی وجه چیزی محرک این اعتصاب بوده است! کارکنان شرکت واحد از ۸ ماه پیش قرارداد بسته بودند که بخشی از آن شامل عیدی و پاداش بمدت ۶۲ روز حقوق میگردد. در آن زمان کارکنان شرکت واحد با حساب این ۶۲ روز حقوق به قراردادش داده بودند. ولی با تصمیم خودسرانه دولت آنها از ۲ ماه حقوق خود یعنی یک ششم درآمد سالانه خود محروم میشوند. آیا اگر کسی حقوق ۲ ماه آقسای بهزاد نبوی را بالا بکشد، داد

شرکت واحد . . .

بقیه از صفحه ۵ —
ایشان درخواهد آمد؟ کارکنان شرکت واحد از ماه پیش سروری این بخش از حقوق خود حساب میکردند و چه برنا مه که برای آن ندا شدند و چه قرض و قوله ها بی که به حساب آن نکردند، و ناگهان با یک تصمیم خودسرانه تمامی برنامۀ زندگی ایشان زحمتکشان شریف به بازی گرفته میشود. آیا آنان حسی اعتراض ندارند؟ واگرا اعتراض کنند خدا انقلابند؟ جدا که این تهمتیا، بی شرمی و وقاحت خارق العاده ای احتیاج دارد! اینجا دیگر بحث بر سر شرایط فروش نیروی کار نیست، بلکه آنان نیروی کار خود را فروخته اند، ولی ما حکما ردا خرکار حاضر به پرداخت دستمزد نیست! این یک دزدی آشکار و رولتان مآبی و قیحانه است. توجه کنید که جناب شهردار "مکتبی" چه وقیح تشریف دارند؛ "از وی (شهردار) در مورد قانونی که به ادعای (!!) بعضی از کارکنان شرکت به تصویب شورای انقلاب رسیده و بر اساس آن ۶۴ روز حقوق و پاداش کارکنان تضمین شده است پرسیدیم که در جواب گفت من از چنین قانونی مطلع نیستم . . .!!" (انقلاب اسلامی ۵ اسفند ۱۳۵۹) جدا که وقیح تشریف دارند، هم جناب شهردار و هم خبرنگار انقلاب اسلامی! آیا قانونی مصوبه شورای انقلاب در تابستان در مورد ۲ ماه سود ویژه ادعای کارگران است؟ و آیا مقامات

"مکتبی" آنقدر فراموشکارند که از متن وجود قانون فساد انقلابی که خودشان تصویب کرده اند بی اطلاعند؟! آنوقت میگویند که کارکنان را یک "عنصر پاکسازی شده" و "ضد انقلاب" تحریک کرد، اگر منظورشان جناب شهردار باشد، راست میگویند!

یکی از شرکدهای مقامات دولتی حاکم - اعمار "مکتبی" و "متخصصی" - برای تشدید استثمار کارگران، بهانه محاصره اقتصاد و جنگ و . . . است و اینکه کارگران باید فقط به تولید بیشتر بپردازند، در تئوریزه کردن این منطق ضد انقلابی، حزب توده و اکثریتیها بیشتر از همه بایه گذاشته اند، ولی حتی اینمورد و ایستادن "استدلال" هم در مورد اعتصاب کارکنان شرکت واحد صدق نمیکند. پس از جنگ و حیره بندی بنزین و عدم استفاده از اتوموبیلها، شخصی و لفسرویسهای ادارات، بار حمل و نقل شهری بطور عمده بدوش شرکت واحد افتاد. به اذعان خود شهردار وقت و مدیر عامل شرکت واحد، راندمان شرکت واحد سه برابر افزایش یافت (انقلاب اسلامی ۵ اسفند). فکر نمیکنیم امپریالیستها و عوامل ضد انقلاب با عث این امر گذشته باشند؟ توده ایها و اکثریتیها چه فکر میکنند؟

فکر میکنیم دلیل اعتصاب روشن شده باشد! کارکنان شرکت واحد که مجدانۀ به کار حمل و نقل مشغول بوده اند و حتی کار بمراتب سنگین تری را نیز انجام میدادند. خواستار حقوق خود که ۸ ماه پیش، و حتی در روز ۲۹ بهمن، با آن موافقت شده بود، بودند. ولی دولتست "مکتبی" این حق را کدمال ساخت. کارکنان به تنها حربه خود یعنی اعتصاب، در مقابل این حق کثی و زورگویی دست زدند. آیا نباید از آن پشیمان بمانی کرد؟ آیا "کانسون" شوراها ییلی تکنیک" که

رای به محکوم بودن این اعتصاب داده است، حتی کمی بخود زحمت اندیشیدن داده است؟ آیا این رای، نظیر کارگران تحت پوشش این "کانسون" را نمایندگی میکند؟ بهیچوجه! اکثر کارگران تهران از این حرکت کارکنان شرکت واحد پشتیبانی کردند!

کوشش حزب یون حاکم برای شکستن اعتصاب

۱ - تفرقه انداختن در بین اعتصابیون؛ فدا انقلابیون حزبی و لنین کاری که میکنند آستکه در بین کارگران تفرقه بیندازند. آنها با استفاده از عوامل جا - سوس و خبرچین خود (لانه کرده در "انجمن اسلامی") بین کارکنان مناطق ۱ و ۲ منطقه ۳ اختلاف میفروزند. با قبول وعده و وعید در مورد پرداخت پاداش وعیدی ۲ ماهه به کارکنان مناطق ۱ و ۲ آنها را به رفتن سرکارااضی میاژند. و حمله خود را سر وی کارکنان منطقه ۳ متمرکز میاژند. اینان دقیقا همان کاری را که در مقیاسی بزرگتر در عرصه جامعه انجام داده اند، یعنی برهم زدن وحدت فدا مریالیستی و آزادیخواهانۀ مردم در مقابل بله با دشمنان انقلاب، در مورد این اعتصاب کارگری انجام دادند. بدین ترتیب از قدرت متحد کارکنان بمراتب کاسته شد و کارکنان منطقه ۲ به تنها بی در مقابل سیل حملات تبلیغاتی و اعتصاب شکنانۀ حزب میبایستی مقاومت می کردند. این امر گذشته از بر ملا ساختن شگرد ارتجاعی حزب یون - که کلا از روی دست ساواک کپی شده است - نشاندهندۀ نبودن تشکیلات محکم در درون این اعتصاب میباشد. موفقیت موقتی حزب جمهوری و ایسادی آن در شکستن صفوف اعتصاب، یکبار دیگر این امر مسلم

مبارزه کارگری را ثابت می کند که بدون اتحاد محکم، بدون یک تشکیلات منسجم و یکپارچه کارگری، بدون یک رهبری متحد و مصمم، بیشر در موفقیت آمیز مبارزه، حتی در سطحی کوچک و اقتصادی، ناممکن میگردد.

۲ - تبلیغات ارتجاعی بر علیه اعتصابیون؛ آنها پس از شروع اعتصاب، تمامی دستگاههای تبلیغاتی انحصاری، به لجن پراکنی و فحاشی بر علیه اعتصابیون را آغاز کردند. همه سران حزبی مملکتی فعلا لانه در راه به لبوت کشیدن این مبارزه، بازی با احساسات مردم با استفاده از سخنان بیپهوده آیت الله منتظری و حتی شخص امام خمینی در مورد سود ویژه و عید و عزا داری . . . در پشت رادیو و تلویزیون ظاهر گشتند. متاسفانه در مقابل این سیل تبلیغات ارتجاعی، کارکنان شرکت واحد با اینکه از تناس طبیعی و دانشی با مردم برخوردارند، به علت نداشتن رهبری و تشکیلات، جریانی برای روشن ساختن افکار مردم برآه نینداختند. تا سرف با رتوانکه سازمانهای کمونیستی و انقلابی (منجمله خود ما) نیز در این مورد کاری نکردند. با این حال از آنجا که این تبلیغات مطمئنا در موارد دیگری هم مورد استفاده قرار میگیرد و فعلا خط تبلیغاتی است اجالا به رئوس آنها میپردازیم:

جنگ، عزاداری برای شهدا و پول پرستی کارگران؛

حزب یون حاکم چنین تبلیغ میکند که در دورانی که مردم در حال جنگ و شهیددادن هستند، عده ای از کارگران سفر "پول" هستند!! در حالیکه مردم در عزای شهیدان خود نشسته اند، کارگران "عیدی" بقیه در صفحه ۷

شرکت واحد...

بقیه از صفحه ۶ —
 میخراهند!! این تبلیغات ارتجاعی میخواد بدم مردم! لقاء کند که گویا کارگران در مقابل شهدا و انقلاب ایستاده اند، و فقط در پی " پول پرستی " هستند. این تهمت بی شرمانه ای است که فقط از مرتجعین و فاشیستها برمی آید! مگر کارگران از حق خود بیشتر میخواستند؟ مگر همین کارگران شرکت واحد دستهای زیادی به جیبه نفرستا دهند و شهیدان دهند؟ مگر بغیر از کارگران و زحمتکشان در انقلاب و در جنگ شهید داده اند؟ این تهمت ها به کارگران نمیچسبد. این عده وقاحت را بداند، نجاشی کند که در اجتماع کارکنان اعتصابی، دو تا بسوب شهدا را بردند که با اصطلاح نشان دهند " ما " (یعنی حزبین) شهید میدیم و " شما " (یعنی کارگران) برای " پول " اعتصاب میکنید! وقاحت هم جدوا اندازه ای دارد! ولی ما شهیدانیم چرا زمانیکه به کارگران میرسد، عیدیه عزا تبدیل میشود!! چرا با ساران عیدی و پاداش خود را در یافت کرده اند که روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ اسفند می نویسد که " با ساران کمیونسده مرکزی منطقه ۳ عیدی و پاداش خود را در اختیار جنگ زدگان قرار دادند " ؟ مگر آنها عزادار نیستند؟

ایشان کاش نمی هستند که از خون شهدا به جا و وفا مرسیه دهند و هنوز از خون شهدا در حالیکه به آلمان آنها خسانت میکنند.

دست بردار نیستند! اینها شهیدزدان واقعی تاریخ هستند!

نداشتی بود چه؟ یکی دیگر از دلایل حزن بیون برای عدم برداخت حقوق حقه کارگران نداشتن بودجه است. اولاً بودجه ساداش وعیدی کارکنان شرکت واحد، برطبق قراردادی که پیش بسته بودند، قبلاً محاسبه تا سن و منظور شده بود. ثانیاً موقعیکه به حق کارگران میرسد، دولت یاد کم سود بود چه میکنند؟ آیا زمانیکه آن هیاتهای ندادن نقلاشی تبلیغاتی را برای سالگرد ۲۲ بهمین به خارج میفرستاد کم بود چه نداشتند؟ آیا آن معممین اسلام پناهی که به تبلیغ " مکتب " مشغولند و بفرمان نخست وزیر و رئیس جمعیستور میلیونها تومان برای دخل و خرج آنها در اختیار " فقیه عالقدر " گذاشتند، بگسر بود چه و کم سود آن نبودند؟ فقط موقعی که به کارگران و دیگران زحمتکشان میرسد " چرتکسه اندازان " مکتبی مشغول می شوند؟ ثالثاً - اصلاً اوضاع اقتصادی و مالی کشور را چه کسی به این موقعیت وخیم گشاده است که حالا ناوانش را کارگران باید بپردازند؟ آیا کارگران باید تا وان دزدیها، حاشتهای چند میلیا رد دلاری، حیف و میلها، سولیا قتیها و... شما را بپردازند؟

هر چه بودی را اندگان!!!

این آران سیاق تبلیغاتی مرتجعانه ایست که بکدست از روی دست شاه کبی رده شده است. آموخ هم مرتب تبلیغ می کردند که کارگران و عیالشان خیلی خوب است!! وعده ای بودند فکر به رباری همیک نمونسه از یک کارگر را می آورند (مثلاً حسن نریانی نسب) " نمسا بنده " درباری " کارگران " و آنکا در سوریه پشته کا در حکم میرا شدند. اسها هم میسین

کارها را میکنند. ولی عوام فریبی شان مد چندان است. اینها آنقدر وقیح هستند که به یادشان میروند شب پیش ترش در " سیما " شان سرنا مه ای ستام " از خاک تا خاک " رابه نمایند میگذارند و نشان میدهند که هنوز بعد از ۲ سال که از زمان مداری حضرات میگذرد هنوز در مورد وضع کارگران آب از آب تکان نخورده است.

اعتصاب توطئه آمریکا!!!

یکی دیگر از ابجساد تبلیغاتی مرتجعانه اینان، آنستکه اعتصاب کارگران، و بطور عموم هر اعتراض و مبارزه ای علیه این داور دسته خائن به انقلاب، توطئه آمریکا است. ما از حق نمیگذریم، کسی روی خط آمریکا، روی خط ابرقدرت تپا در این مملکت کار میکند، ولی این " کس " کارگران نیستند، شما هستید! شما ای که خود سراسر حقوق کارگران را گد مال میکنید، شما ای که در مورد همه چیز و همه کس، در مورد همه مسائل مورد علاقه خودشان قانون و تصویب نام ولایچه گذرانده اید، ولی هنوز " فرمت " نکرده اید قانون کار شاه آمریکا بی رادست بنویسد!

۳ - گسیل اعتصاب

در کارها و تفرقه افکندن در صفوف کارگران و تبلیغات ارتجاعی بضا اعتصابیون، عوامل حزبی، که دستخط ساواک را بخوبی فرا گرفته اند، با سدهای اعتصاب شکن را گسیل داشتند. اگر کارگران یادشان باشد، زمانیکه طرح ترافیک مطرح شد، عده ای در سرچهار راهها بیباستانه و دوما مسور کنترول عبور و مرور را شط بطنیه سه نقاط سجا زیودند. پس از آن به این افراد دبیشیناد شد که سموان پلیس ترا میسک استخدا شوند. ضمن تمام این فضا یا، حزب فیرست ایسین افراد را شهید دیتا در مواقع ضروری و ویژه به آنها رجسوع

شاید. در این مورد هم تهدید و تطمیع از آنها میخواد که در هیات " مردم " و " داوطلب " برای راه انداختن اتوبوسها پیشقدم شوند! این ها همان " مردمی " بودند که با سدهای تبلیغاتی انحصاری بعنوان " داوطلبان " از آنها یاد می کرد. البته برخی از این جوانان در مقابل این امر اعتراض و مقاومت کردند. البته اعتبار شکنان به این افراد ختم نشد، بلکه جناب چمران از نزدیکیهای جبهه نبرد! فتوای فرستادن عده ای از نو چه ها پیش را داد! این اعتصاب شکنان همان چماق دارند، ولی بدون چماق (بغلت شرا - بیط وجود موجود در جامعه) همان داور دسته خائن و ضد انقلابی که محرک و پشتیبان اصلی چماق داری در ایران است، عامل اصلی اعتصاب شکنی و سیاستها و اعمال ضد کارگری نیز میباشند!

حزب جمهوری و دولست متبوعش، با تفرقه افکندن در صفوف اعتصابیون، تبلیغات ارتجاعی فدکارگری، و با گسیل چماق داران (البته این باری چماق) اعتصاب شکن، به جنگ اعتصاب کارگران شرکت واحد رفت. این شیوه ها برای مبارزه با اعتصاب شرکت واحد دقیقاً با شیوه های عمومی این حزب در سطح جامعه، تفرقه افکنی در صفوف متحد مردم خوانایی کامل دارد!

کارگران در مبارزه خود پی به ماهیت واقعی نیروهای سیاسی

هیچگونه حزب جمهوری و همه اعوان و انصارش، یک سر بر علیه اعتصاب کارکنان شرکت واحد مشیر کشیدند، ما نمونه بقید در صفحه ۸

شرکت واحد...

بقیه از صفحه ۷
 های بسیاری از آن را تاکنون سرمرده ایم. ولی اجازه دهید به چند نکته دیگر اشاره کنیم. سخنگوی کابینه آقای رهایی، بهزاد نبوی، حدود یک ساعتی از وقت "سیما" و انحصاری حزبی را در حمله به اعتصابیون خود اختصاص داد. جناب ایشان مدت مدیدی در مورد "کمبود سوچه" و وضع مالی اسفبار دولت لایه وزاری شمسود، در حقیقت جناب ایشان به جرتکه ادا ختن مشغول گشتند. ولسی معلوم نیست چرا زمانیکه فریاد ملت از خیانت عظیم ایشان و دولت شان در ماجرای تسلیم بر قید و شرط جاسوسان آمریکا - بی درآمد، زمانیکه میلیاردها دلار از پول این ملت ربا میبرد - لیستهای آمریکایی بخشیدند و مردم بدردستی اعتراض کردند، با آن لبخند زهر آگین صحنه تلویزیون ظاهر شدند و خیلی "انقلابی" مآب گفتند "چرتکه نیندا زید!!؟! چطور مدیلیا ردها دلاری که بهجیب چنانخواران آمریکا پی ریخته شد، ارزش حساب و کتاب نداشت، ولی برای شندرقا ز حقوق کار - کمان که حق مسلمشان هم هست، جناب نبوی یکساعت چرتکسه میاندازند!!؟! چگونه است که آقای بهزاد نبوی میتواند یک ساعت پشت تلویزیون اراجیف ارنجای بیهمبیا فدوم مردم را علیه کارکنان شریف شرکت واحد برانگیزند، ولی نمی تواند (یعنی نمیخواهد) همین مردم را بر علیه محتکرین، سود

جویان، مشودالها و... برای خلع یدارانها" تحریک کند. چنانچه چون بنفع ایشان نیست! "مکتبی" دیگری که هم مورد تائید حزب است و هم مورد تائید لیبرالها، یعنی حساب چمران جنگجو، از فاصله های دور از محل اعتصاب، بر علیه اعتصابیون شمشیر کشید. جناب ایشان از "آنجا" فنوا داد که همین امروز!! ۳۰۰ - ۴۰۰ نفر را برای سراه ادا ختن اتوموبیل های شرکت واحد، یعنی درهم شکستن اعتصاب، گسیل خواهد داشت، معلوم میشود جنگ با اعتصابیون از جنگ با صدام تها و زگر، برای چمران هوچی ارجح تر است. اما آقای سنی صدر چه کردند؟ سکوت پیشه نمودند! آقای بنی صدر زمانیکه "حق" فظ زاده پیمانال میشود، امروز از کارنامه، ریاست جمهوری شان را به این امر اختصاص میدهند، ولی زمانیکه حق کارگرایان میگردد، گویا آب از آب تکان نخورده است. آقای سنی صدر که خیلی در پی اجرای "قانون" و "قانونی گری" است، یادش رفت که کارکنان شرکت واحد - یک ضار داد "قانونی" داشته اند که بر مبنای "قانون" مصوبه "شورای انقلاب" که در آن موقع خودشان رئیسشان بودند تنظیم شده بود. گویا "قانونی" بود که اینبار از "قانون" حمایت آشکار نشود و مسئله به سکوت برگزار گردد. کارکنان شرکت واحد میخواستند که با آقای بنی صدر ملاقات کنند. ولی همین سکوت آقای بنی صدر در مقابل این اعتصاب، این حق کشی، این "جوسازی" ارتجاعی... نشان داد که جناب ایشان فقط تا حد معینی به آزادی و "قانون" ... پایبندند! بنا بر این کارگران خود را بدبفکر خود با شدند. اتحاد و تشکیل خودشان رمز قدرت و موفقیتشان خواهد بود.

تجاری چند از اعتصابات شرکت واحد
 ما در زیر با حتما در سریای این مبارزه را بر میزنیم:
 ۱ - کارکنان شرکت واحد محل طبیعی خوبی سرای بردن بحث هایشان، خواسته هایشان بین مردم داشتند و دارند. یکی از عوامل قدرت - مند شدن هرا اعتصاب میزبان پشتیبانی بخش های دیگر مردم از آن اعتصاب، یا مبارزه میباشند. ولی متاسفانه کارکنان شرکت واحد بخاطر نداشتن اتحاد، تسکیلات و رهبری منسجم و واحد نتوانستند از این امکان خوب بهره برداری کنند. کارکنان شرکت واحد نمیتوانستند با دگی از چند روز قبل از اعتصاب خود با توزیع اعلامیه در اتوبوسها، خواسته های خود را بگوش مردم برسانند و مطمئنا نظر مساعد آنها را به همراه میداشتند.
 ۲ - پشتیبانی معنوی کارگران سایر کارخانه ها و واحدهای تولیدی از کارکنان اعتصابی شرکت واحد فوق العاده بود. این امر نشان دهنده همبستگی کارگران، نشان دهنده احساس همدردی در بین این طبقه، و نشان دهنده مواد محترقه بالقوه ای است که در درون این طبقه موجود است و باید آن را دریافت!
 ۳ - موفقیت حسرتزب جمهوری در تفرقه انداختن در مشرف اعتصابیون، یکبار دیگر لزوم تشکیلات منسجم کارگری که بتواند اتحاد کارگران را تا مین نموده و در مبارزه آنان را رهبری کند و توضیح تمام به نمایش گذارد.
 * * *
 همانطور که در مقدمه گفتیم، موج اعتصابی کارگران در حال اوج یایی است. این موج اعتصابی در ترائیقی بالا میآید که در سطح جامعه نیز امواج جنبش توده ای بر علیه خیانته کاری حزب جمهوری و

برای آزادی و برای حفظ استقلال در مقابل تها و زشار بعنی و نوظنه قدرتهای بسزرگ بخصوص آمریکا بالا میگیرد. جنبش کمونیستی میهن ما باید بیست از پیش برای این شرایط آماده باشد!
 توده ایها و اکثریتی های خائن به انقلاب، آزادی و استقلال در تمامی زمینه های مبارزه جاری در سطح جامعه، در سطح مبارزه علیه امپریالیسم (توجه خیانت حزب در مسئله جاسوسان آمریکایی، به پیش گزاردن طرح مسلح در جنگ کمونیستی)، چند سطح مبارزه برای آزادی و سرعلیسه استناد (مخالفت بیما رگونه با آزادی و آزادیخواهی تحت لوای "مبارزه با لیبرال - لیسم"!!) و چند سطح مبارزه اقتصادی کارگران و دیگر اقشار مردم (با چسباندن انگ "فدا انقلاب" بروی اینگونه مبارزات) آگاهانه و عملیاد کنار حزب مرتجع و مستبد جمهوری اسلامی عفا راییی کرده اند. اینان خواهسان سکون و آرامش مطلق در جامعه اند تا "برادران" حزبی شان خیانت و جنایت را به کمال سه انجام رسانند.
 متاسفانه چنانچه های جنبش کمونیستی ما، عرصه های اساسی مبارزه مردم را نفی کرده، مبارزه استقلال طلبانه و میهن پرستانه مردم ما بر علیه تها و ز آمریکایی صدام را به سخره میگیرند، مبارزه برای آزادی مردم را به بیها نشانه "لیبرالی" بودن آن بیباد تمسخر میگیرند... و عملا فقط به مبارزه اقتصادی کارگران، آنهم بطور ناقص، جسیده اند. اینها عملا بدامان اکونومیسم مفرط که با عاطفی های "چپ" روپوشی شده در غلتیده اند. این رفقا بهتر است به روند واقعی سیرا انقلاب در ایران پی ببرند قبل از آنکه دیگر خیلی دیر شود! تنها راه انقلابی در این بقیه در صفحه ۱۵

ماشین سازی

بفیه از صفحه اول
 شد و حدود دوماه پیش اطلاعاتی از طرف هیئت بررسی ... صادر شد که "کارکنان ماشین سازی اراک مینواهند کتایب و مدارک خود را جهت بررسی وضع ساوا که کتایب احراج شده به این هیئت ارائه دهند." این اقدام هست مذکور با عکس العمل مستنفا نندیدی از طرف کارکنان روبرو شد. هواداران اتحادیه اعلامه ای در سطح نیرو و کارخانه بحث کردند که در آن سعی شده بود هدف این هیئت را برای کارکنان و مردم روشن کند که مستورا آنها از مطرح کردن این موضوع مخاکمه و اکتیهاست بلکه سازگت آنها به کاراست. هیئت مذکور در این زمینه سیر اقداماتی کرد و طی احکاماتی یکی دو نفر را به کارخانه سارکست داد و عکس العمل مستند کارکنان باعث شد آنها نتوانند در محل کار خود حاضر شوند و در پی آن این قصه برای مدتی منکوت ما شد.

شرح وقایع

روردوسه ۱۲/۲/۵۹ محمد
 هاشم رکن نما شده حسن صدر رئیس هیئت مدرسه سازمان کسری و سوزاری صاحب درکارخانه خا به خا مرتدو همان روز اعلام کردند که وی ساعت ۲/۵ بعد از ظهر در محل کاسس کارخانه خراسانی تصماند. شروع صحبت رکن با اس حطاب شروع شد که من به اسخا آمده ام و امری بکمک مدیرعامل (فروتنس)

برونده اخراجی ها را مطالعه کردیم و برای آنها که آنچنان جرمی نداشته اند حکم صادر کردیم. بیکارخانه های زگردند. در ضمن افراد زیادی هستند که باید از این کارخانه اخراج شوند. افرادی هستند که طراحان خوبی هستند ولی طرح برای تولید نمیکنند بلکه ضد انقلابند و همین امروز صبح در یکی از کارخانه ها شاهد بودم که بعضی "جاوید شاه" میگویند. من خود را با بکمک مدیرعامل (فروتنس) اقدام به اخراج آنها خواهم کرد.

کارکنان که ما این لحظه ساکت نشسته بودیم. بیکه فحسه درونشان همه ه شد و یکی پس از دیگری و دسته دسته بلند شدند و طرف نما بیده صدر رفتند و میگویی را اردشش کردند و یکی از کارکنان گفت آقای رکن برای آنها سنی که کرده باشد توضیح بده و دستها را دعا کن که گریه ها بشنود کسی بفتنه میبرد و در کلام فتنه است کارکنان "خا وید شاه" گفتند یکی دیگر از کارکنان گفتست تمام این بفره افکیها با طرابین است که ریمبه برای سارکست ما واکیها سار بود. یکی دیگر که حمال دار شد عندی و پاداس بده شد.

ارسی حدوده ۶ نفر کارکنان و کارمندی که در کاسس جمع شده بودند یکی سان مسد که رند و آگاهی آنها را سان منداد. کارگری پست میگویی فرا گرفت و گفت شما سنی بکنید ما س وسله سس ما را بهم برید ما هدیمان سرگردان با واکیها و رسانا خرسیا و خا سس و جدا انقلاب به کارخانه است. جواب بده شد اگر انقلاب به تخریب رسیده بود آنها همین افراد بوسا ارکنه ما می کنند ما حاضر. دیگری مطرح کرد افرادی در این کارخانه وجود دارند که مدرک حساب آن ها رسیده ولی به آنها احراج شد بلکه مدیرعامل بکمک میگری به آنها داده و آنها

زندگی را بر کارکنان تنگ کرده اند و کارگرانی وجود دارند که بوسیله همین افراد در اختیار کارگرینی فرا گرفتند چسرا چون حاضر نبودند زیر دست کسی کارکنند خا شن به انقلاب و مملکت بودند. مدیرعامل کارخانه افرادی را که کوچکتر بین اعتراضی به این اعمال کنند بدون هیچ دلیل و مدرکی اخراج میکنند و حال سوسه های زیادی وجود داشته که افرادی با جسورعا ثله سوسله همین آقای فروتن از کارخانه اخراج شدند. افرادی که خیلی هم انقلابی بودند.

مدسال سخنان کارکنان سی که ظلم و ستم این افسران را با پوست و گوشت خود لمس کرده بودند. کلیه کارکنان را موج اعتراضی عظیم فراگرفت و آقای مدیرعامل (فروتنس) که خود سردمدار این جریان بود و از زید و ورودش به کارخانه به سنیها کارمشنسی اسخام بناده بلکه اسراد سارز را بدون کوچکترین دلیل و مدرکی اخراج کرده محسور ساخا اعلام کنند که هیچ ساواکی به کارخانه برخواهد کست و تنه ما واکیها سار اخراج میسوسند.

کارکنان که اس تحرو لانه سوا سده بودند در روحه سار پر استان اثریکدا ردوس سارس بدهند ما مسئلهها سار را پس کنند و از ... رکن نما بیده حسن صدر خوا سسند که در ضرورت کفها سس سوضح دهد. در این لحظه چون کارکنان هر لحظه حلقه محاصره را سنگ سسر میکردند مدیرعامل ورکن سسر طور که بود خود را از مهلکه سحاب داده و مدیرعامل به سنیها به کار محل جمع را ترک کرد و بطرف محل کار خود روانه شد ولی کارکنان ... رکن را در محوطه کارخانه محاصره کردند و ما سس ار فرار او شدند. رکن نما شده حسن صدر که را سس موضوع بود حساب داده بود و کلی سدرت کلم را اردت داده و کسج و

میوهت با طرف نگاه میکرد و سعی در آن داشت هر طور که شده خود را از دست این کارکنان مبارز و مسلح شورتجات دهد. ولی کارکنان یکی یکی شروع به صحبت کردند. یکی از آنها گفت نعمت زاده وزیر صنایع و معادن بعد از زاید خود را از این کارخانه و کارخانه های اطراف در روزنامه ها اعلام داشته که سنیها کارخانه ماشین سازی اراک و آلومینیوم و غیره سربا رجا معه هستند. کارکنانی که در گران سنیها خا سانی، با اینکه عقسب افنادگیها سنی چند ساله آنها برداخت شده، با اینکه هر روز ارزانی عمومی گرانتر میشوند، شما مینوان خود را صرف میکنند تا کنور را از خطرنا بودی سحاب دهد. همین کارکنان بودند و هستند که در حبه های جنگ نهید میخورد و حال حدین کارکنان شریف و مومن به انقلاب از کارخانه خود مان شهید شدند. اسس کارکنان هستند که در عین فشار سرام آورا امتعادی سزرگترین کمکها را به حبه های جنگ کرده و برای نابودی دشمن همه حسر خود را فدا میکنند. یکی از کارکنان گفت: ما سنا و کار کردیم سس ولی هر بار که مفا می را سس کارخانه ما رد کرده است سس سنیها بر ما می برای سولسد بناده بلکه سحنان خود در سس ما بفره ا سدا حده است. یکی دیگر از کارکنان گفت: سازمان کسری سازمان "سا" است. خوا سسه های ما سکیل سوزاری واقعی است سس ما سسای سس لیداست. سجاب کارکنان رجه گیری و آشگری است که در آن هوای کشف ر سسر سس سس حان خود را اردت میدهند و سس حال مسئولین هیچ اقدامی در این مورد نکرده است. خوا سس ما طرح و بسا ده کردن صحیح و عادلانه طرح طبقه بندی ما عمل است بردا ح عت اسادگیها سس. صنعت ملی است که سس و اسسه ما سس. دیگری سس گفت: مدیرعامل سس سس سس سس در صفحه ۱۰

نامه يك کارگر به 'حقیقت'

پخش شده نمودار عقب نشینی مفتضا نوی در مقابل مفاومت یکپارچه کارگران بود. وی در این اطلاعیه بسیار "ناشیانسه" به هدف شوم خود نیز اعتراف کرده است. بنده اول اطلاعیه چنین میگوید:

"هیچ فردی و کسی به کارخانه ساز نخواهد گشت و باقی مانده ساواکی ها اخراج خواهند شد."

این مبارزه با پیروزی چشمگیر کارگران پایان یافته و آقای رکن هم بدون برگزاری جلسه ای دیگر زنده ها پنهان گشت این مبارزه چند مسئله را با برجستگی خاصی به نمايش گذارد:

اول آنکه: درجه آگاهی و رشد کارگران در مورد مسائل سیاسی و دستاوردهای که در انقلاب بدست آورده اند، در سطح بالایی است. کارگران به محض آنکه آقای رکن نهمتهای سی شمانه خود را نسبت به کارگران به زبان آورد، به عمق توطئه و اهداف واقعی که همانا سازگردانیدن ساواکی ها بود پی بردند و یکپارچه به مفاومت پرداختند.

دوم آنکه: کارگران در زمانه کارخانه سازی اراکه در زمره کارگران صنعتی می باشند، و نسبت به سایر کارگران از موقعیت اقتصادی سببتری برخوردارند، در مورد مسائل سیاسی و دستاوردهای انقلاب و حفاظت از آنها از خود حساسیت بیشتری نشان میدهند و بطوریکه یکپارچه عمل میکنند. این امر با ردیگر اهمیت کارگران صنعتی در کارخانه نجات بزرگ را وهم چنین آماجگی کارگران برای مبارزه سیاسی را بسا و به جنبش کمونیستی ما گوشزد مینماید.

سوم آنکه: توطئه شکست خورده آقای رکن و مدیران مسل و درودسته ساواکیان گسترش

لطفا نامه مرا که هوادار اتحادیه کمونیستهای ایران هستم را در نشریه حقیقت برای آگاهی کارگران چاپ کنید. در کارخانه کفش سازی در یکی از قسمتها سرپرستی وجود دارد که این سرپرست برای خودش دارو دسته ای هم تشکیل داده که بتواتر بدیهتر به کارگران زور بگوید. مثلاً زکا رگرها شیکه نمی توانند درست حرف خودشان را بزنند بی اندازه سوءاستفاده میکنند و از این طریق از آنها خیلی کار میکشد. ولی از کارگران اینک میخواستند تا اندازه ای حرف خود را بزنند با آنها درگیر میشوند با لج میکنند و بسا برای آنها گزارش میبرند و ولی در ضمن از آنها میترسد و حساب میبرد. مثلاً راجع بسه مرخصی اگر کارگر سرزبان داری یک هفته هم سرکار نرو تا ترسش برایت اومرخصی رد میکنند ولی کارگر اینک آنطور که باید رفتار کند حرف خود را بزند نندمندی توانند اگر مرخصی نخواهند بجز از عذوبها نه بسه آنها مرخصی میدهند و سرشان منت میکند و او اگر سرکار نرود میزند فوراً برای آنها غیبت رد میکند یا دوروز از حقوق آنها کم می شود.

بهر حال این سرپرست به دارو دسته خود هر جور رفاقی میکند، مثلاً یک روز یکی از افراد دارو دسته او که قبلاً در دربار بوده و فامیل رئیس قسمت می باشد و جابوسی کارگران را می کند، مرخصی میگردد در عین حال کارتها را نیز یکی دیگری از همان دارو دسته میزند با این ترتیب آن کارگر هم مرخصی بوده و هم سرکار رت برای شش زده شده است. فردای آن روز یکی از کارگران به کارگر دیگری

میگوید مگر فلان کس مرخصی نبوده؟ پس چرا کارت او بسه حساب کار زده شده است و کارگری که این حرف را شنید بسا رتا رت حت شد و فوری رفت کارت هسا را نگاه کرد و دید آن کارگر در دست گشته است و فوراً به تمام کارگران قسمت خبر را میرساند تا بفهمند این سرپرست چکاره است و چه کارهایی انجام می دهد. و وقتی که کارگران همه یک جا سرکارشان حاضر شدند همان کارگر آگاه رفت جلو و گفت آقای سرپرست مگر فلانی مرخصی نبوده؟ او "میفرماید" بله، کارگر می پرسد پس چرا کارت ایشان ساعت آخر کار رت خورده است و بعد کارگر عا مل سرپرست یعنی همان درباری سابق خود را جلو می اندازد و فوری برگ مرخصی را از جیبش بیرون می آورد و پاره میکند و روی میز سرپرست می ریزد. در ضمن بگویم که این کارگر هر چه وقت کار نمی کند و همیشه لاف میگردد و جابوسی کارگران را بجهده داشته است. بعد از این حرفها کارگری که با راول خبر را به رفیقش گفته بود میآید جلو و می گوید من این خبر را افشا کرده ایم شما چه میگوئید و کارگر "درباری" که قالب کفش در دستش بود بسا و حمله میکنند و آن کارگر آگاهی که این خبر را به گوش همه رسانیده بود بسا و در ضمن گفتار خود عا بشود. در ضمن دو کارگر دیگر که قبلاً با هم اختلاف داشتند در این فرصت با هم شروع به دعوا می کنند و مسئله شخصی خود را بسه میان می آورند که همان کارگر آگاهی که قبلاً با آنها مسئله ای کار رت لاف درباری عا مل سرپرست و وضع خود سرپرست روشن بقیه در صفحه ۹۴

ماشین سازی

بقیه از صفحه ۹
 کارگران را که برای طرح خواسته های خود نزد وی رفتند بودند را با فحش و ناسزا زاطاق بیرون کرده است، آنها را تهدید به اخراج نموده است. مدیر عامل افراد نالایق و ضد کارگر را بست میدهند و هر که اعتراض کند اخراج میشود. شما اگر میخواستید بفهمید در کار رت کار رت چه جیت چرا قبل از صحبت بسا کار رت اول با مدیر عا مل جلسه محرمانه گذاشتید. ما تا بحال از این افراد خیلی دیده ایم، فقط دروغ میگویند، عمل نمی کنند هیچ کار مثبتی انجام نمی دهند. یکی از کارمندان گفت: اگر کارخانه ضرر میدهد ساختار این است که هر سال سه حدود ۱۵۶ میلیون تومان نزول و امهای امیر با لیستی را می پردازد. وزیر صنایع و معادن نعمت زاده پرونده دزدی بی داروکه مربوط میشود به زمانی که ایشان در ایران با سیونال بودند.

بالاخره اگر چه برخی از کارگران میبایست ساعت ۱/۵ بعد از ظهر و بعضی ساعت ۴ کارخانه را ترک کنند چون شیفت آنها تمام میشود ولی تا ساعت ۵ بعد از ظهر در کارخانه ماندند و در آخر نماز پنجاه صد... رکن قول داد که فردای آنروز بحث آزاد گذاشته شود و جری آنها بحث شود.

فردای آنروز ساعت ۱۰ صبح بود که از بلندگوهای کارخانه اطلاعیه ای از طرف رکن

داشت و نشان داد که اینان برای اهداف واقعی حزب حاکم بر

یکبار دیگر برده از روی اعمال و اهداف واقعی حزب حاکم بر

بقیه در صفحه ۲۵

فریادمان بلند است، نهضت ادامه دارد

کار در روز بود. کارگران مخالفت خود را به اطلاع همکاران رسانیدند. روز بعد شنبه شد که سرپرست قسمت رنگ از کارگران امضاء میخواست و کارگران همگی امضاء دادند.

ولوله‌ای در سالی بر اه قناد و آرامی در یک لحظه بهم خورد. سراغ کارگران رنگ می‌رفتند که از صبح موضوع مطلع شوند. به سراغ یکدیگر می‌رفتند که از میزان پایداری و قاطعیت یکدیگر مطمئن بگردند. کم‌کم کارگران بدور هم جمع شدند. آنجا که سابقه کار بیشتری داشتند با قیافه بسیار غمگین و عصیان‌آمیز به این مسئله اعتراض داشتند و خواهش می‌کردند که خواهی چه جوارش را می‌کنند. شما ۱۲ ساعت کار کرده‌اید. فیس‌سول نکنید. شما ۱۲ ساعت کار کرده‌اید و دست‌پاچه در سبزه‌ها در می‌آید. ما با ما رزدا یک‌هفته در سال ۵۲ کردیم تو استیم کار ما را به فیس‌سول ۸ ساعت کار در روز و ما داریم. نگذارید دوباره این بلایا بر سر ما بیایند. اولش می‌گویند سرای یک ماه بعد می‌کنند سرای همیشه. تگر جان حرارت نکرد اینکار را نکنند سرای‌های شبلی هم همینطور. اسر شورا بطوریه خودش اجازه می‌دهد جنس تصمیم می‌گیرد. "دیگر کارگران مبارز و پیشرو هم مخالفت خود را برای می‌کردند و توضیح می‌دادند اینکار را منع کارگران نیست حتی سرای یکماه. کارگری سرای دمزد "ما سودی را که حفظان است خواهد گرفت. بیستتر از ۸ ساعت کار نخواهد کرد. کار است می‌گویند چرا کارگر استخدام نمی‌کنند کارخانه شیفه شود. با این وضع گراسی از سب طرف و فشار کار و نبود هوای تمیز در سرکار از طرف دیگر آینه همگی مان مثل سوس خواهد شد" (یونس سرکارگر قبلی فاخ ما شین است که سب در بیمارستان مسلولین بستری شده).

نعداد بسیار اندکی از کارگران هم بودند که می‌گفتند اگر قول بدهند تا صبح فقط برای یکماه ۱۲ ساعت کار کنیم چون به پول احتیاج داریم. اعضاء سورا هم مرتباً اینطرف و آنطرف رفته از محاربین و جواسب مثبت طرح جدید صحبت می‌کردند. و در نفس می‌گفتند نظر نظر اکثریت است. یک کارگر زن ضمن مخالفت قاطع با این طرح به عموش می‌گوید: "امضاء جمع کردن کار غیرقانونی و نادرستی است اگر شورا منظورش دانستن نظر اکثریت کارگران است می‌تواند با گذاردن یک مجمع عمومی مسئله را روشن سازد. اینکه از طریق سرپرستان و سرکارها در گوشه و کنار امضاء جمع کند."

آقای سما پنده با قیافه‌ای نحاس می‌گفت "خوب گوش کنید ما بگفتیم که هم بیشتر از آنچه دولت گفته بود سورا هم داد. با این طرح شب عیدی پولکی گبرنا نم‌آید" بقیه در صفحه ۲۴

چندتا دف تا کوا روجا لیبی اسی رورها اتقای می آمدند. هر جا که زحمتکشان جامعه حقوقی مسلم خود را مطالبه می‌کنند، مسئولان و سرپرستان و آنها شبکه بدروع و تزویر برای مستضعفین سینه چاک می‌کنند، وارد میدان شده و سعی دارند با سه‌پیس کردن دلایل و موضوعات بی ربط به سرهمه سره بما لید. اگر هم در این کارها موفق نشوند، جماعتی و تهدید و زورگوئی و تهمت به میدان می‌آیند.

همه کارگران بدرستی میدانند که سود ویژه، پاداش، عیدی و دیگر مزایا جزو حقوق آنهاست. یک کارگر در مقابل مجموعه این مبلغ نوان و نیرویش را بکار فرما می‌فرودند، ولی امروز ما هدیم که کارفرمایان و مسئولان کارخانه‌ها، بکنک لایحه ضد کارگری مجلس تصددا رند دستمرنگ کارگران را سپردا خسته واصل موضوع را ما ست مالی کنند.

در این حرکت ضد کارگری، اغلب شوراها و ساخنگی کارخانه‌ها، کارفرمایان، سرپرستان، وزارت کار، و هیئت دولت و مجلس، دست بدست هم داده نشسته سیریزند و از جیب بهم مسائل صد. نمونه گویای این حقه‌بازی کشف چندی پیش در کارخانه قزقره زیبا اتفاق افتاد.

اخیرا شورای جدیدی در کارخانه تشکیل داده است. شورا در ابتدای کار برای جلب توجه کارگران دست به بازی گرمی می‌زد و بحثی از پاداشهای عقب افتاده را میان برخی از کارگران پخش می‌کند. این پاداش در مقابل اضافه تولید پرداخت می‌شود. ولی بصورت زمان شوری جدید هم چیره واقعی اش را از پشت عوام فریبی‌ها به کارگران نشان می‌دهد.

کارگران با بیاد ز روی تجربه بدین واقعیت پی برسد که در دورنج زحمتکش را فقط یک صاحب دردمیهمد و از حقوق و حقوق زحمتکشان نماندگان واقعی آنها، کمانیکه به در حرفه بلکه در عمل مدافع کارگران هستند، می‌توانند دفاع کنند. ما نباید خنیا رات را بدست شوراها می‌بدهیم که نمی‌فهمند و نمی‌خواهند بدانند فقر یعنی چه؟ اما همه کاری یعنی چه؟ سود ویژه و عیدی یعنی چه؟ شوری جدید کارخانه قزقره زیبا از آن کورسه شوراها نیست که به نفع کارفرما در مقابل کارگران می‌آیند.

در این کارخانه، مثل هر جای دیگر، طبق لایحه دولت مسئولین و شورا تصمیم می‌گیرند که سود ویژه نپردازند. کارگران بطوریکه پارچه اعتراض می‌کنند، در مقابل این اعتراض، مسئولین حرفه جدیدی سوار می‌کنند. آنها به کارگران پیششها می‌کنند که بدست یکماه ساعت کار را به ۱۲ ساعت افزایش دهند تا هم کارخانه ضرر نکند و همچنین کارگران پول خوبی بدست آورند. چند کارگر آلت دست و سرپرستان و شوراچی‌ها برآه می‌آیند تا فریب و ایجا دودستی این برآه را پاده کنند. آنها با مراجعه به قسمتهای مختلف و عنوان کردن این مطلب دروغ که اکثر کارگران در بخشهای دیگر مواظق ۱۲ ساعت کار در روز هستند، بجمع کردن امضاء می‌پردازند. خوب است به عکس العمل و حرفهای خود کارگران در این باره گوش بدهیم:

"روز دوشنبه ۲۴ بهمن، همه جا بحث بر سر ۱۲ ساعت

اعتصاب کارگران انبارهای عمومی

کارگران انبارهای عمومی ایران مجتمع شهریا رواق در جاده قدیم کرج خیا بان خلیج دست به یک اعتصاب نامحدود زدند، کارگران خواستار روشن شدن وضعیت کاری خود میباشند، از زمانیکه شورای انقلاب ملی شدن انبارهای عمومی را تصویب نمود، هنوز وضع کارگران مشخص نگردیده که آیا آنها طبق قوانین سازمان اموراستخدامی کشور حقوق بایده بگیرند یا طبق قوانین بیسکه کاروا موراجتماعی، انبارهای عمومی علاوه بر کارگران رسمی خود نزدیک به ۷۰ کارگر روزمزد نیز دارند، که آنها نیز خواستار مشخص شدن وضع کاری خود میباشند.

کارگران علاوه بر خواسته فوق مانده تمام کارگران ایران از پاشین بودن دستمزد نیز رنج میبرند و خواستار گرفتن حقوق عادلانه خود میباشند.

از شروع اعتصاب کارگران اعلام کردند که فقط حاضرند با آقای بنی صدر صحبت کنند، دولت مکتبی برای اینکه این خبر درزن کند و برای اینکه هرچه سریعتر به اعتصاب پایان دهد، روز شنبه ۶ اسفند با فرستادن آقای دیزجی معاون وزیر دارائی (! البته معلوم نیست چطور وزارتخانه ای که وزیر ندارد معاون وزیر دارد، آقای دیزجی مرتب خود را معاون وزیر معرفی میکردند) و آقای سماواتی رئیس گمرک به تلاش برای فرستادن کارگران بر سر کار دست زد، کارگران در سالن ناها رخوری جمع شده بودند، ساعت ۹ صبح بود، آقای دیزجی هر طور بود کارگران را مجبور به پاشین آوردن خواسته کارگران نمود تا آنها رضایت بدهند و او به جای آقای بنی صدر با آنها صحبت کند، حال به خلاصه صحبت او توجه کنیم:

"سلام بر شما کارگران که انقلاب با پیاپی ده رویهها و سختی کشیدنهای شما به سر رسید، شما هستید که انقلاب می کنید شما هستید که به جنگ میروید، شما همیشه در صفا اول قرار دارید، من هم مانند شما هستم از آسمان نیامده ام اهل شمال شهر هستم نیستم بچه دروازه دولاب هستم!! خوشحالم بسیار بیشتر شما هم شهری هستم من هم اهل آذربایجان میباشم، وقتی میخواستم بیایم با رانی سوراخ خود را پوشیدم خوشحال بودم جاشی میروم که کسی به آن ایراد نگیرد، (سرو وضع آقای دیزجی خیلی شیکتر از آقای بنی صدر بود) دولت از آن شما است ا صلادولتی وجود ندارد شما همه جز دولت هستید آقای رجاشی همش در فکر شماست، نه فکر کشید که مرا آقای رجاشی انتخاب کرده و من از او تعریف میکنم! نه اتفاقا مرا آقای بنی صدر انتخاب کرده، خود او میخواست مرا استناد کند ولی حالا انجام وظیفه میکنم، ما پیش از جنگ همه حساب خود را درست کرده بودیم که کارگران حقوق حقه خود را بگیرند و بعد از شروع جنگ بودجه ما نصف شد، کردستان به ما سودی نمی دهد، قسمتی از آذربایجان سود ندارد، آوارگان جنگ هزینه زیادی

را روی دست ما گذاشته، اینها سبب شده که ما با مشکلات زیادی روبرو شویم، من مشکلات شما را می دانم، حقوق شما کافی نیست (یکی از کارگران فریاد میزند من ۱۷ سال سابقه کار دارم و صاحب ۱۲ ساعه فقط سه هزار تومان حقوق میگیرم) من اینها را میدانم (چند کارگر مشا به کارگر اول اعتراض میکنند) بزرگترین درخواست شما تعیین وضع کار شما میباشند (کارگری فریاد میزند ما خیلی انتظار کشیده ایم بایده مشخص بشود که ما جزو سازمان اموراستخدامی کشور هستیم یا بیمه کار ما را موراجتماعی، مدتهاست که ما بلا تکلیف هستیم) بلکه متاسفانه بین مدت در مورد شما سهل انگاری کرده بده متاسفانه من به تنهایی نمیتوانم در این مورد تصمیم بگیرم بایده نمایندگان وزارتخانه های دیگر حضور داشته باشند، (یکی از کارگران) ما دو سال است که صبر کرده ایم دیگر نمیتوانیم (خود شما که اعتراض میکنید تشریف بیاورید دفترتسا بنمایندگی از کارگران صحبت کنید، کارگران شخص مزبور را تا شید میکنند) من از شما میخواهم که بر سر کار خود بروید و بیش از این به دولت ضرر نزنید، این ضررها را دولت هر طور شده از شما پس خواهد گرفت، من به شما قسم میخورم که به تمام خواسته های شما رسیدگی خواهد کرد، دولت از آن شماست ما طرح عیدی شما را نیز به هیئت دولت داده ایم و آنها مشغول مطالعه آن هستند" در این مابین عده ای از کارگران میگویند که نماینده ما با شما صحبت خواهد کرد تا به نتیجه برسید ما فقط کامیونهای ایرانی را تخلیه خواهیم کرد، سالن بهم می خورد کارگران با هم صحبت میکنند و آقای دیزجی از سالن خارج میشود درحالی که عده ای از کارگران پشت او زاده و با او بحث میکنند، نماینده کارگران (که فرد آگاه و مترقی میباشند) با او راه می رود، و طرف صحبت مستقیم آقای دیزجی میباشند، نزدیک ساعت ۱۰/۵ کارگران به طرف انبار خود میروند و منتظر نتیجه مذاکره میشوند و در این مدت فقط کامیونهای ایرانی را تخلیه خواهند کرد و این تقریبا خود اذما اعتصاب است، چون با رگیری که نیمه از کار گمرک است نخواهد شد، و از آن گذشته تخلیه دهها کامیون خارجی بیرون گمرک به صفا ایستاده اند انجام نخواهد پذیرفت، و هر روز نیز دهها کامیون خارجی نیز به آنها اضافه میشوند، مبارزه ادامه دارد.

یک نکته درجاشی:

توده ایها و اکثریتیها در بیرون گمرک مرتب دلد میسوزانند که چرا کارگران کامیونهای بلغاری و دیگر کشورهای بلوک شرق را تخلیه نمی کنند و این باعث ضرر و زیان این کشورها می شود، سوسیالیستی و "کارگری" میگردند، بیچاره آنها نقد در ریزی حفظ منافع "رادران" جهان وطنی خود هستند، که با همه عوام فریبی کارگران ایرانی را بگلی فراموش کرده اند، که البته انتظار دیگری هم نیست، البته توده ایها و اکثریتیها می توانند دولت مکتبی مورد پشتیبانی شان پیشنهاد دجبران خسارت کشورها را بپردازان را بنمایند!!

خطر سازش

بقیه از صفحه ۳ —
افتاد دور تند پیچ جنگ بسسه رویزیونیسم در غلتید. آنها موضوعگیری های اکثریت فدا- ثیان و توده ای ها و رنجبری ها را در این موارد موضوعگیری و عمسل ما تشبیه کردند و گمان بردند که به این ترتیب میتوا- نند با تکیه بر "ثنا بها تی" رویزیونیست بودن ما را نتیجه بگیرند. اما چون محک تجربه بدیمان می آید آنکه در اوغش باشد گونسا می شود! آنها با این جدل های بیما- حقیقت ناشوایی خود را از شنا- خت رویزیونیسم بمتا به اید شو- لوژی بورژوازی و خصوصیات کمپرا دوری آن در اجزای ما نند نوده ای ها و اکثریتی ها و رنجبران آشکار می کنند و نشان میدهند ز نقشی که امپریسا- لیستها برای این احزاب بسسه عنوان اسب تروای خسوددر جنبش های انقلابی قائلند شناختی ندارند. اسلاف انحراف سکاران چپ در جنبش ما یعنی روشن فکرانی که مشی چریکی را دنبال می کردند در اوایل کار ما را به توده ای بودن و رویزیونیست بودن متهم می کردند چرا که میخواستند انتقاد مارکسیستی از مشی چریکی را با ناسزاگویی خاموش گردانند اما عاقبت کار نشان داد که چگونه این چریان چریکی در ایران بودند تا قبت اکثریتی از نیروهای خود را در اختیار ادوی رویزیونیسم قرار داد و اینک هم راه سازمانهای انحراف سکار چپ

جز این نیست.

اگر نه همین جنگ ایران و عراق و سفرای هیئت سازش و میا نچی گیری نظر کمیسر نکا تسی طلب نظر میکنند که از نظر بخت ما بسیار آموخته است. مثلاً اینکه جنگ ایران و عراق جنگی از هر دو طرف نا عادلانه بوده و بر علیه منافع خلقهای روکشور می باشد در حقیقت روح تما می صحبت های آقای سکوتسوره را تشکیل میدهد. آقای جیب شطی و دیگر دوستان او در حقیقت این شعار سازمان بیگانه را به زبان اسلامی ترجمه کرده و سارها در جلسات سخنرانی و مشاوره مطرح ساختند. حال آیا مثلاً با ید پرسید که مثال حبیب شطی استقلال طلب و خیر خواه هستند که از لحاظ عملی با پیکار همسو شده اند؟ آیا اینکه نوکسرا ن آمریکا این موضع را اتخاذ میکنند برای سازمان بیگانه قابل توجه نیست؟ این را با مواضع اعلام شده چین و موضع گیری آقای برژنف که به زبان های سه جهانی و سوسیال امرب یا لیستی باز هم حملانی به همین مضمون را گفته اند در کنار هم قرار دهید. آیا رسیدن بسسه اسنتا حاب عملی تنوری بسه دنیا و رویزیونیسم خروشجفی و همه ایدئولوژی های بسوروزا کمپرا دوری در رابطه با جنگ تنها وزکارانه امپریالیستها بر علیه میهن ما کسی را در سازمان های چپ ما بفرق فرو نمیبرد؟

آقای سکوتسوره گفت که برای حل سریع جنگ به ایران آمده است. او همراهانش پیشنها داتن بس خود را که در واقع به معنی قطع جنگ و پذیرفتن تجا و زسعتی های مزدور به ایران است پیش گذاشتند. ما از اعضای "وحسود انقلابی" می پرسیم چگونه شد که موضع شما در مورد این جنگ از دهان سکوتسوره و حبیب شطی در می آید. آیا شعار "قطع جنگ" در شرایطی که میهن ما در اشغال نیروهای متجا و زاست نسا ز

انقلاب ایران است؟ اگر چنین است چرا این شعار به برنا شه نوکران مارکداری از قماش حبیب شطی و صیاء الحقی و اکثریت ارتجاعی هیئت نما- یتدگی کنفرانس طائف مسدل شده است؟ آیا شما از اینکسه چریکیهای فدایی خلق درامداد برنا مه با سیفیسنی سوسیال امپریالیسم روس در مقابل سرد استقلال طلبانه مردم ایران اینک از شعار مذاکره دفاع می کنند و به پیشوا سازش میروند به نتیجه گیری های از این دست که گویا نظریه طرفسداران شوروی بر منافع انقلاب ایران منطبق شده است دست میزنید؟ آیا فیرا را این است که اکنسون که با بر قدرتها مو تعیت مسدام را در اشغال بخشی از خاک ایران می بینند خواهان آن هستند که زیر لای شعار صلح و مذاکره و به جنگ، شه صلح را در برابر نقشه های سیرانه خود هموار کنند. در شرایط کمونی قطع جنگ در جمع سنت عمومی صا رزه فدا میریالیستی سو دجه نیرویی تمام میشود که مسکو و بلنند کوها بی و واشنگتن و نوکرانش هم آنرا تبلیغ میکنند؟ آنچه که در هفته های گذشته در رابطه با ندادارک سازس بساعت عراقی در صحنه سیاست ایران گذشت با ید نیروهای انقلابی و کمونیستهای واقعی را بخود آورد و آنها را به عسقی انحراف چپ شما یا نه ای که حسن را به بیراهه همناوی با دشمنان میکشاند آگاه سازد. کمونیستهای واقعی ایران با ید به پیکار بر علیه امپریا- لیسم و در راه استقلال ایران برخیزند. اکسون که در ارتباط با جنگ موضوع دیده میتود که نیروهای ارتجاعی به راه حیا نت در می غلتند و ساسا زشکاران راه ما سات را در ریش عیگیرند و جدا کثرا اینکه نوانا بی پیشبرد ما رزه را ندارند، کمونیستها با ید در نهضتی که هدفش رها نیدن خلق از اسارت

با مدء تک کارگر بس... بشود و وقت دعوای شخصی نیست همدی کارگران جمع میشوند و رئیس قسمت دیگری به آنجا می آید که بحواست قضیه را میصه دهد ولی کارگران حاضر شدند و ناگفته نما ندکه کارگر عامل سرپرست مورا خود را سه سال را سار سابدوا ر معرکه خسود را کما رکنتید و سرپرست به همان کارگر آگاه میگفت سار رو بسد بسال کارتان به شما مربوط سمینود من خود قضیه را حل می کنم. در حالیکه همین آقا وقتی کارگر را کارت دوست خود را بهر جهت درست یا غلط زده بسود و متهم به اینکار شده بود سه روز با بت این قضیه سوال و جواب بس مسدا دو حال این سرپرست با کمال پروائی می کوسد خودم درست می کنم، اسکا را زکیسه حلیفه میبوسد. در این موقع همه کارگران دست از کار می کشند و براشرف افشاگریهای همان کارگر آگاه میگویند اما ملا این سرپرست را نمی خواهیم چه بسد بسه آن کارورانی شورا مبنوشند و زبان خود و نفر را بداخل میفرستند که ابی دوسما بینه تمام جریان این کارگر "درباری" را که فامیل رئیس قسمت بوده، کار شمی کرده، جاسوسی میکرده و از سرکار رحیم میتده را می کوبند و خلاصه بتجد این بسود که کارگر "درباری" جاسوس اخراج بسود

بخیه در صفحه ۱۶

خارجی و کسب و تنسیت استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران باشد تا طبقه کارگر و توده های خلق پیوند بگیرند و ساشکاران و خائنین را به مردم شنا ساسند. آنها با ید در صحنه های پیکار بر علیه امپریالیسم و تحا وزگران عامل آنها لیاقت خود را برای رهبری خلق نشان دهند و جا مسه را بسوی آینده آزادی و استقلال و سالاخره سوسیالیسم رهنمون شوند. جز اینس هسراه دیگری سسراب است!

به یاد کارگر مبارز جهانگیر قلعه میان دو آب

(جهان)

کارگر قهرمان، جهانگیر قلعه میان دو آب (جهان) در روز ۱۷ بهمن ۱۳۵۹ بدست قسداره بندهان "حزب جمهوری اسلامی" در زندان از پای درآمد. رفیق جهان یکی از فرزندان مبارز طبقه کارگر بود. او در متشکلات کردن جنبش کارگران بیگانه تهران نقش بسیار ارزنده داشت و همه کارگران بیگانه تهران که بخانه کارگر سابق میآمدند فعالیتها و از خود گذشتهگیهای او آشنا بودند. جهان در تمام مجامع و انصافات و تحمینهای بیگانهان به عنوان یک کارگر پیشرو و طایف انقلابی و طبقاتی خود عمل مینمود. او همیشه مسئول انتخابات "خانه کارگر" سابق بود در انجام این وظیفه خطیر خود برستی که همانند یک کارگر آگاه انقلابی عمل میکرد. شهادت این کارگر انقلابی

بدست سردمداران "حزب حاکم غایب دردآوری برای همه کارگران ایران و بخصوص کارگران بیگانه تهران بشمار میآید. دژخیمان "حزب حاکم که جهان و امثال او را سدی در راه منافع مرتجعانه و انحصار طلبانه خود میدیدند، ناچاران مردانه به پیگرد و ضرب و شتم او پرداختند و چون او را سازشنا پذیرد راه تحقق آرمانهای انقلابی طبقه اش یافتند، با شلیک گلوله ای به زندگانی او افتخار آمیزش خاتمه دادند. آنها بخيال خام خود فکرمسی کنند که جهان را از ما گرفته اند اما تاریخ ثابت خواهد کرد که آرمانها و روحیه رزمنده جهان ناکرختنی است.

کارگران بیگانه تهران هیچگاه چهره بشاش وجدی رفیق جهان را که در "خانه کارگر" با زبانی شیوا به فارسی و

آذربایجانی برای همزبان خود سخن میگفت، از یاد نخواهند سرد. آنان شیهای زیادی را که جهان تا صبح بسرای با ساری از سنگرمبارزاتی آنان محکم و استوار به انجام وظیفه انتظاماتی خود مشغول بود از خاطره خود دور نخواهند کرد.

جهان که از رفقای فدایی (اقلیت) بود، در بر سر خوردن نظرات و نیروهای جنبش از گروهگراشی و تنگ نظریهای موجود بدور بود همیشه سعی میکرد با اتکاء به همه کارگران مسایل پیش پای جنبش را حل نماید و این در حالی بود که "اکثریتیها" با گروهگراشی خود محیط "خانه کارگر" را مسموم میکردند. رفیق جهان در مبارزاتی که بر سر شوروی و "حزب توده" بود، برستی که همیشه طرف حق را میگرفت و در

مبارزه ای که علیه "توده ایها" بر سر تشکیل سندیکای واقعی کارگران بیگانه در "خانه کارگر" جریان داشت، نقش مهمی ایفا کرد.

"اتحادیه کمونیستهای ایران" شهادت این کارگر انقلابی را به همه کارگران ایران و جنبش کمونیستی تسلیم گشته و این جنایت وحشیانه سردمداران "حزب حاکم" را محکوم می داند، باشد تا طبقه کارگران در رهبری جنبش ضداستبداد لیستی و دمکراتیک خلفهان ایران، انقلاب ایران را به پیش رانند!

مرگ برای لیسم و مرتجعین داخلی جاودان با خاطره رفیق جهان نگیر فطله میان دو آب (جهان)

دزدی 'سوسیالیستی' از اموال ایران

هما نظر که همگان میداند به لحاظ شرایط جنگی و ناسامنی و غیر قابل استفاده بودن اکثر بنا در تاجارتی جنوب، واردات کشور بیشتر از طریق راههای زمینی وارد کشور میشود. یکی از مرزهایی که بعد از جنگ بیشتر از گذشته مرز استفاده قرار گرفته شهر مرزی آستان را میباشد. ولی اخیراً و ردکنندگان ایرانی مواجه با مشکل بزرگی شده اند. آنهم این است که به کالاهای ایرانی در شوروی دستبرد زده میشود. کامیونهای ایرانی که از مبدأ به مقصد ایران راهی میشوند با ید از طریق شوروی یا ترکیه وارد ایران شوند. تمام کامیونها در مبدأ پلمب میشوند. ولی در شوروی، علیرغم آنکه از لحاظ قانونی نباید دید آنها دست بزنند و یا بزنند، کامیونها را با رکس کرده و اغلب اوقات بد آنها دستبرد میزنند. بعد هم وقتی به پلمب روسی خود را به کامیونها میزنند. تاکنون دهها فقره سرقت صورت گرفته که شکایاتی از جانب شرکت حمل و نقل ایرانیان و شوروی (ا بر سوتز) و مقامات ایرانی به مسئولین شوروی شده است. ولی تاکنون نتیجه ای حاصل نگردیده است.

البته ناگفته پیداست که علت دزدی در شوروی چیست! حال

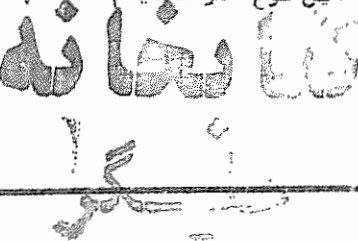
شرکت واحد

بقیه از صفحه ۸
مقطع کشاندن طبقه کارگر به میدان مبارزه سیاسی بطور فعال و بلند کردن پرچم انقلاب استقلال طلبانه و آزادیخواها نه، میباشد. اگر مبارزه اقتصادی بخش کوچکی از طبقه

کارگران چنین ولوله ای در میان حاکمین برآه انداخت که نخست وزیر و مشاورش و شهردارش را به پشت رادیو و تلویزیون کشاند، چهران را از فاصله های بسیار دور دست به تکانها انداخت، بنی صدر را به سکوت پسر معنا!! واداشت، آنگاه تصور کنید که ورود طبقه کارگر به عرصه مبارزه سیاسی در پرچم دمکراسی انقلابی چه خواهد کرد؟

بگذارید با زهم عده ای مانند کشریتیها و توده ایها برستی این نوع "سوسیالیسم" سینه چاک کنند!

۱۳۵۹/۱۲/۷



کارگران مینو

بقیه از صفحه آخر
را تجربه نشان داده است.

از مدت‌ها پیش در کارخانه مینو فاضلابی بی‌عنوان برای اخذ فکاری و پرداخت حذف شود. ولی طبق معمول هیئت مدیره و دیگر مسئولین کارخانه به این نه‌های مختلف خواسته‌های کارگران را ناست مالی می‌کردند. عاقبت کارگران خواسته‌های بحق خود را در چپا رمورد طرح و تیار روز شنبه ۲۵ بهمن ماه به هیئت مدیره برای جواب دادن نیست تعیین نمودند. خواسته‌های کارگران عبارت بود از:

- ۱ - تشکیل شورای واقعی کارگران (مدت یکسال است که شورا منحل شده - البته یکمک چماق و تفرقه قه افکنی)
- ۲ - پرداخت ۸۰۰ تومان مزایا به همه کارگران در ماه
- ۳ - پرداخت سود و یسه عیدی
- ۴ - رسیدگی به وضعیت هیئت مدیره سابق جواب مسئولین که در همه کار مسئولند بغیر از مواردیکه باید حق کارگران پرداخت ، پس از رفت و آمدهای بسیار و نشست و برخاست با مقامات و نماینده دادستانی انقلاب خیلی ساده " نه " سود روز شنبه کارگران تصمیم به راهپیمایی و اعتراض می - گیرند . چون دیر شده بود ایس

کار را به روز یکشنبه موقوف می‌سازد . روز یکشنبه ساعت ۱۰ صبح کارگران با شعار " ۸۰۰ تومان مزایا پرداخت باید کرده ، شورای انقلابی ایجاد باید کرد " از ضمنهای مختلف به سوی دفتر هیئت مدیره حرکت می‌کنند . رئیس هیئت مدیره آقای احمدی از دفتر بیرون آمده نیم ساعت از دردهای کارگران و سختی زندگی آنها سخنرانی میکند . طبق معمول جنگ و سهوا نه‌های دیگر هم حاشی صحبت‌های ایشان بود . کارگران اصرار داشتند که آقای احمدی رخصوانی نکرده و برود بر سر اصل قضایا . ولی آقای احمدی قضاوت به امل مطلب سپرد . در این هنگام کارگران به نالای بلکان رفتند در باره لزوم وحدت و شکل کارگران صحبت کرد . و در ضمن رو به احمدی کرده و گفت : " ما کارگران خود در این جنگ فعالانه شرکت کرده و شهید می‌دهیم . ما کارگران دا و طلبانه برای رفتن به جبهه و جان فشانی نام نویسی می‌کنیم . پس به ما نگویند جنگ است ما سبتر از هر کس میدانیم و می‌فهمیم که در جنگیم . " این کارگرمبارز در باره لزوم داشتن یک شورای انقلابی را انتخاب نمایندگانی آگاه و پیگیر و خوش سابقه تذکراتی داد . در این هنگام یک زن نسبتاً مسن فریاد زد " بگذارید من صحبت کنم " همه او را تشویق کردند . ما در رنج کشیده چنین گفت : " آقای احمدی . مسن دویتیم داریم . فرزند کوچکم از من لباس میخواهد . هر شب سه من می‌گوید بچه‌های همسایه لباس خریدارند من هم میخواهم من جواب او را چگونه بدهم ؟ ما می‌گوییم صبر کن سود می‌گیریم . عیدی می‌گیریم بعد برایت لباس میخرم . دخترم مدتی است عصب کرده ولی نمیتوانم او را به خانه شوهر بفرستم . آخه دخترم را که بچه‌شود دست خالی فرستاد خانه بخت . این انصاف است که حق

دویتیم را به سهوا نه‌های مختلف سالانگشند ؟ من از حقم معنی - گذرم . از کسی که حقم را می‌خورد نیر نمی‌گذرم . خدا هم از او نمی‌گذرد . " دردهای پنهانی این مادر بسیاری از کارگران را بگریه واداشت . آقای احمدی مثل گنج سفید شده بود . کارگری اعلام کرد " فردا ساعت ۱ بعد از ظهر مجمع عمومی در همین محل خواهیم داشت . آقای احمدی موظف است مقام مسئولی از وزارت کار به اینجا بیاید و اگر نه ما به وزارت کار راه می‌مانیم خواهیم کرد . " این یک تصمیم محولانه بود . کارگران زیادی از وقایع بی‌خبری بوده و یا نسبت به این مبارزه بی‌نتفاوت بودند . پیتس نما زکارخانه آقای خوشبخت هم کارگران را تحریک کرده و می‌گفت ایس حمایت می‌خواهند کارخانه را تعطیل کرده و زنان کارگران را قطع کنند (این بین نماز یک ساواکی اخراج شده بود که بوسیله حزب جمهوری دوباره به کارخانه بازگردانده شد) هیئت مدیره هم ساکت نه نشسته و وجود مجمع عمومی را تکذیب نمود . سرپرست ها هم اعلام کردند ندرکس دست از کار کشیده و به مجمع برود توضیح می‌شود . شایعه مکان درگیری و دستگیری کارگران در قسمت‌ها پخش شده بود . نماز تلاش مزدوران سر این بود که حرکت اعتراض آمیز در نطفه خفه شود . در مقابل این همه دسیسه کارگران فقط متکی به استکارات پیش روان خود بودند . مجمع عمومی بهر حال با تعدادی در حدود ۸۰۰ نفر تشکیل شد ولی بغا طریقی بر ناست مکی ، فقدان رهبری آبدیده و تشکیلات محکم کارگری وهم چنین شرکت نکردن بقیه کارگران بغا طرنا آگاهی و پیرا کسکی ، نتایج مطلوب بدست نیامد ولی چه باک

سکس دیروز
تلاش امروز
سویه فردا است
فردای پیروز .

نامه یکتا کارگر

وقول داده می‌شود که قسمت سرپرست را عوض کنند و در ضمن فاضلابی سرپرست حریصه می‌شود . اما هنوز در مورد عوض کردن قسمت اورسیدگی نشده است . در ضمن سرپرست کارگران را بخش رئیس قسمت می‌آید به قسمت ما و کاغذی را می‌آورد که امضاء بگیرد که کارگران راضی هستند آن شخص حاسوس و لاف سر کار سرگرد که چند نفر را مل برست آرا امضاء کردند و به عیب که می‌رسد همه کارگران را حاسوس می‌سود و کاغذ را با هم می‌جاست و حاسوس نیز مثل اینکد رفتن سکا پت کرده است .

از اس مبارزه جدید سبجه گرفته می‌شود . اول اینکه کارهای خلاف و سد کارگری را با بدبینه اطلاع همه کارگران رسد و این کار را آن کارگر آگاه اسحام داد و با تکیه بر قدرت جمع کارگران خوانست در مبارزه بیروز شود دوم اینکه در یک مبارزه مشخصی با بدبینه مسائل شخصی و امحراف می‌اگر چه درست باشد مستغول شویم بلکه با بدبینه حواس و سیر و متوجه مبارزه و هدف آن شد . سوم اینکه بهر جهت با اینکه حق با ما کارگران بود و ناست حدودی پیرو شدیم دیدیم که با لائی ها از سرپرست و همسان جا سوس حمایت کردند که نشان می‌دهد بهر جهت کارگران در یک صف و در مقابل نشان لائی ها و عوامل جا سوس آنها قرار دارد . کارگران تکیه بهم داشته‌باشند تید و با قدرت و اتحاد خود زورگو بان را نابود کنید . با زسفا رش می‌کنم از متحد بودن دریغ نکنید این رمز پیروزی میباشد چهارم ما در این مبارزه ساس حدی پیرو شدیم زیرا سرپرست با ابد از کارگران را می‌شد و لای نکردند و میدانیم چرا ایس مبارزه ادامه دارد .

با درودهای رفیقا نسه دوست کارگر شما

مبارزه در کرمان پس از ترور ناجوانمردانه

علی فدایی

پس از تشییع جنازه شهید فدائی کرمان شاهد حوادتی نظیر درگیریهای دانشگاه همدان بود. بهشت و درگیریهای شمال بود. روز ۱۸ بهمن پس از تمام شدن راهپیمایی افراد حزب کدایی و کمیته و با سداران و دگسها انقلاب که توده‌های محکمی از هزاران نفر توده به خاسته کرمانی خورده بودند، بسیاری تلافی این شکست شروع به حرکت کات مرتجعانه و فاشستی کرد. ندو خانگردی و دستگیری نمایان این مبارزه را آغاز کردند و با مراجع به آن لیبست کدایی که تهیه کرده بودند (در طول راهپیمایی جا سوسان حزبی تنها کاری که از دستشان بر میآید مگر ندهی یعنی یا دداشت اسعی عده‌ای که بقولی ۵۰ نفر و به قولی دیگر ۱۰۰ نفر در بر می گرفت). از این خانه به آن خانه و از این مدرسه به آن مدرسه می رفتند ولی آنروز عصر بغیر از چند نفر هیچکس دیگر را نتوانستند بگیرند. صبح روز ۱۹ بهمن قرار بود مجلس ترحیم آن شهید را در آموزش و پرورش بر سر گزار کنند (ساعت ۹ صبح) که آقای جلال کمالی و مشارزاده ۲ تن از مبارزین معلم در این محل حضور داشتند. هنوز مراسم آغاز نشده بود که یکی از سخنرانان حزب پشت میکروفون می رود و شروع به صحبت میکند که با شفا ریلندگی ارتجاع خاموش با یاد کرده جمعیت از سخنرانی او جلوگیری میکند. در همین حین مزدوران حزبی با شمار حزب فقط حزب الله هبر فقط روح الله به صف دانش آموزان دختر حمله کرده و با سنگ و چماق و چاقو حمله ارتجاعی خود را آغاز میکنند و از زمینجا بود که آقای مشارزاده را با وحشیانه

ترین شکل دستگیر کرده و می برند و به شدت او را میزنند. از این طرف جمعیت که اکثریت آنرا دانش آموزان تشکیل میدادند در صدد پاسخگویی بر میآیند و با کندن نرده های آموزش و پرورش را ه خروج برای دختران بازمیکنند (در راه را قفل کرده بودند) و بعد از آن درگیری به خیابانهای اطراف آموزش و پرورش میرسد و درگیریها در دو نقطه متمرکز میشود و یکی در اطراف میدان ارک و دیگری در اطراف چهارراه کاظمی، که چند نفر سرشکسته و مجروح می شوند و روشن از دانش آموزان دختر به شدت بوسیله چاقو و تبر جمعین حزبی زخمی شدند که به بیما رستان فرستاده شدند. در همین زمان سایر مسدود شده تعطیل شده و به خیابانها ریختند (مدارس با زبودولسی دانش آموزان از رفتن به کلاس خودداری میکردند). خلاصه کرمان یک پا رجه آتش بود آن عده‌ای که در میدان ارک مشغول مبارزه با عوامل حزب ارتجاعی بوده به داخل بازار رفتند و پس از افشگری از مردم میخواهند که منازعه های خود را به عنوان اعتراض به این حرکت ببینند و منازعه های تعطیل میشود. ارتجاع به وحشت افتاده بسیاری اینکه این حرکت بسته شدن منازعه را به حساب خود سریزد از ادیوبنا ما جمع جعفری (عامل حزب) و جاعه روحانیت کرمان (چماق حزب) بیسام میدهند و از باران میخواهند که به مسجد جمع بیابند برای اعتراض به این حوادت که گویا حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر در پیای منبر این آقایان میآیند. نیم ساعت بعد از این موضوع رادیو اعلام میدارد که آقای مشارزاده

و جلال کمالی دستگیر شده اند. آنهم در بای پلکان هواپیما! در همین لحظه ما م جمع میگردید که هر دو نفر مذکور دستگیر شدند که یک پاسدار میگوید آقای جعفری ما فقط شوانستیم یکی را دستگیر کنیم جلال کمالی تحت تعقیب است بعد جعفری اما م جمع. خلاصه تا ساعت ۵ بعد از ظهر دو دفعه رادیو میگوید که کمالی را میداند به کمیته خبر دهند و با ساعت ۵ در رادیو میگویند که جلال کمالی دستگیر شده است و در اخبار ساعت ۶ بعد از ظهر تلویزیون تیگو میگوید که جلال کمالی دستگیر نشده است. می گویند دروغ گویم. حافظه است، حال با یادگفت مرتجعین دروغ گویم حافظه اند! در حال آنروز گویا با لاجزه آقای جلال کمالی را دستگیر میکنند و عصر آنروز در شهر تعقیب و مراقبت شدید برقرار بود و تا ساعت ۹ شب ۱۴۰ نفر دستگیر میشوند. شب آنروز ساعت ۷ سا و استان دار کرمان برای مردم از تلویزیون پیام میفرستند آنهم چه پیام مرتجعانه ای. وی ادعا میکند که "آقای جلال کمالی سا و اکی است و حدود دو سال پیش بعد از قیام، یک سند از جلال کمالی بدست میآید ابدال بسر سا و اکی بودن و آقای مشارزاده آنرا از زمین میبرد و من شاهد بودم و حالا حاضرم که در دگسها بخاطر سکوت دو ساله ام محکوم بشوم" و اینکه "کسانی در این شهر در پی آشوب هستند و با یسد گورشان را گم میکنند و کرمان جای آنها نیست". مردم کرمان فکر میکردند که این شاه معدوم است که از تبر در آمد و ما ننشد هفت سال پیش که حزب کدایی

رستاخیز را اعلام کرد و گفت "مخالفت با بدگور خودشان را از ایران گم کنند" در بار آنها صحت میکند الحق که ایسادی حزب کدایی جمهوری اسلامی ما نندر هبران حزب کدایی رستاخیز صحبت میکنند. راستی چگونه آقای سا و جیره خوار حزب بعد از دو سال لب به سخن گشوده و آنهم در چنین موقعی، فکر میکنند مساله بقدر کافی روشن است.

روز دوشنبه تقریباً تمام مدارس تعطیل بودند و بچه ها حاضر به رفتن به سر کلاس نشدند و آنروز در دبیرستان بازرگانی درگیری پیش میآید و دبیرستان تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام میشود و روز بعد هم دبیرستان ایرانشهر منحل میشود و تا عصر دوشنبه تعداد دستگیر شدگان به ۲۵۰ نفر میرسد. روز دوشنبه و سه شنبه در تمام مدارس کرمان اعتراض به این حرکات وجود داشت ولی بعلمت نبود یک رهبری، مبارزه افت میکند. تعداد معلمین دستگیر شده ۱۵ نفر اعلام میشود و در ضمن در دو مدرسه دخترانه ۲ معلم ۱۳ دانش آموز اخراج میشوند. روز پنج شنبه مدارس کما کمان تعطیل است و جریان مبارزاتی افت بسیار رکوده است و تنها دبیرستان شریعتی مبارزه به شکل نرفتن به کلاس و بحسب و صحت و افشگری ادا مداشت. و مبارزه به گرد خواسته اعدام قاتلین فدائی و آزادی زندان نیان سیاسی و ایجاد شور در مدرسه شریعتی وجود دارد.

”صدام خیلی بهتر است...“!!!

یکشنبه ۵۹/۱۱/۲۶ - رشت :

رور یکشنبه ۵۹/۱۱/۲۶ حدود ساعت ۵ - ۴ سداظهر در میدان شهرداری رشت بمباران عزام عده‌ای با سداریه حبه، حکاار طرف رستی (فرمانده سپاه رشت) و امینیان امام جمعه سابق رشت (سخنرانی شد، جمعیت حاضر در محل حدوده ۵ نفر مسدود اکثریتان رایسجی‌ها، با سداران نحی یوش و دختران وابسته به مکتب برجس تشکیل میدادند. اسندونفر که در خط حزب هستند از این موقعیت میخواستند برای کوبیدن محاهدین و ما برنبرو- های سیاسی اسفاده نمایند. ربیبی در قسمتی از سخنانش کف: این چپ‌های آمریکائی و محاهدین منافق بدروع می- کوبند که در جنگ شرکت میکنند، آشان در پشت حبه می مانند و حرابکاری میکنند... صدام خیلی بهتر از اینهاست، چون صدام ارتش دارد و معلوم است ولی اینها (منظورش نیروهای سیاسی مترقی) منافق هستند و از داخل خنجر میزنند... پس شما مردم با سدمثل ساسی کا ملا هوشیار را بشوید و نگذارید اینها توطئه کنند... هر جا اینها را دیدید با خودشان کنید!... نگذارید اینها شعارهای اسلامی را پاک کنند و شعارهای انحرافی بنویسند... امینیان هم مثل هم‌زمین در همان مایه‌ها میزد، از جمله وی گفت: امروز صدام میدانکه با وجود شما برادران پاسدار هیچ غلطی نمی تواند بکند... راستی ما چه زیبا گفت که هر ما آن پسر ۱۲ ساله‌ای است که سه کمرش تا رنک بست و بر تانک رشت و آن را منفجر کرد... .

شعارها: برادر پاسدار، برادر ارشی، بیوندتسان مبارک - سرگ برننا فقین و صدام.
در دعای حیرا میسبان برای بدرقه سپاهیان اعزامی گفت: " خداوند انوش را این منافقین و گروههای چپ آمریکائی را از سر این ملت کوتاه کن." پس انوش همه جا نهد و مجسد جماع داران در نماز تواجی گیلان امینیان بدفعات زیادی در شهرهای مختلف استان، خصوصا مسا حد شهر رشت سخنرانی کرده است تا وجهه از دست رفته شان را کسب نماید ولی تعداد جمعیت هر روز کمتر و ترکیب جماعتاران، بسجی‌ها و شخصی‌یوشان در جمع علاقمندان امینیان نشان دهنده بی‌علاقگی مردم به وجود منحوس وی میباشد.

ناخت و ناز چماقداران و پاسداران در انزلی

یکشنبه ۵۹/۱۱/۲۶ - انزلی :

بدنمال برگزاری راهیبائی (بزرگداشت ۱۹ بهمن) در نهر لاهیجان و حمله چماقداران به صف تظار کنندگان، عسده زیادی دستگیر شده و در زندانهای سپاه رشت - لنگرود و لاهیجان سربسیرند. فقط ۸۵ نفر از دخترانی که در این تظاراات شرکت داشته‌اند تاکنون (۵۹/۱۱/۲۶) به خانه‌هایشان بازنگشته‌اند. از صبح ۵۹/۱۱/۲۶ اکثر مدارس دخترانه شهر انزلی بخاطسب اعتراض به این دستگیریها و آزادی زندانبان دست به تحصن در مدارس خود زدند. با حمله سپاه به مدارس این شهر (که حویان دقیق روشن شده)، عده‌ای دستگیر شده‌اند. وجود تعداد زیادی پاسدار مسلح در شهر کا ملا قابل تشخیص است.

نهادهای انقلابی و توطئه علیه کارگران

سه شنبه ۵۹/۱۱/۲۱ - رشت : کار توطئه سر علیه کارگران آگاه کارخانه چند است که تحت سازمان دهی مشخصی قرار گرفته است. رشت (روبروی استادبوم تخیلی) محلی راسرای کارگران گیلان اختصاص داده اند که از طرف حسینی سرپرست با کساری گیلان و همسر رستی (فرمانده سپاه رشت) هدایت ورهبری میشود. تاکنون معلوم شده که اینان در کارخانه‌هایی که بنوابند، ملی به تشکیل انجمن اسلامی و با اخراج کارگران آگاه و مبارزان اقدام می نمایند. (مثل کارخانه پپسی - کاندادارای، یوش، بارلون و...) ولی در کارخانه‌ها نیکه کارگران آگاه ترند و به آنان امکان عمل نمی دهد و با هتور نتوانسته اند سرپرستان و مدیران هوادار بنی مدرا از میدان بدر کنند و با کارگران راسه دنبال حزب بکشند، ارسراه وارد میشوند:

- ۱ - تطمیع کارگران با وعده سه کارگران تا آگاه، استفاده از احساسات ضد کمونیستی و مذهبی شان.
 - ۲ - تهدید کارگران به اخراج، تحقیر سازی، زندانی شدن و...
 - ۳ - ایجاد تفرقه و دودستگی با استفاده از دعوی بیسن حزبی‌ها و طرفداران بنی صدر.
- در هر سه مورد از کمک‌های حزب بوده و "اکترینی" هانیسزدر زمینه‌های مختلف استفاده میشود.

اطلاعیه ضد کارگری در کارخانه ایران سرمیت

چهارشنبه ۵۹/۱۱/۲۲ - رشت : از چند روز قبل در کارخانه کاشی‌سازی ایران سرمیت (شهر صنعتی) از طرف مدبر عامل کارخانه اطلاعیه‌ای صادر شده بعضی از قسمتهای کارخانه چسباده شده است. محتوای اطلاعیه: صادره در رابطه با تهدید کارگران به اضافه تولید، عدم اعتراض به نپرداختن سود ویژه (که در اطلاعیه دلیلش را بدهکاری کارخانه ذکر کرده‌اند) و... در رابطه با اخراج کسانی که "تحریک" (یعنی آگاه) میکنند. گفتنی است که این کارخانه کوچک با سش از ده نفر پرسنل، بطور مرتب در سه شیفت کار میکنند و سقول یکی از کارگران ۶۰٪ تولید دارد. یعنی سش از دوره شاه. صاحبانش چند نفر فراری اند که یک نفرشان هنوز در این کارخانه سهام دار است. در این کارخانه تا شون ضد کارگری سندن حکم فرماست و اجرا میشود. حتی در اطلاعیه، کدائی نامبرده به کارگران اخطار شده بود که آنان طبق قوانین کارخانه رفتار میشود!! یعنی همان قوانین که علاوه بر اسفاده از ماده ۳۳ کار - به قاسمی و دیگر سرپرستان آن اجازه داده که ست به کارگران فحاشی هم بشود.

سخنی با عزیزان در جبهه

عزیزم رفته با دشمن بجنگه
دلما زدوری اش غمگین و تنگه
نگاهش پر ز تصمیم است و بیدار
درون قاب عکس روی دیوار
دم خواب آفرین نقش خیال من
و هر صبح اولین بیادی که دارم
همه اعمال یا اندیشه اوست
که جانش وقف خلق و مردمی خوست
اگر بی اختیار شکم به چشم است
نمی ریزم برون چون بارخشم است
و با دیدن همین خشم و همین کین
بگویم دشمنان را سخت و سنگین
اگر چه جنگ عزیزان را ربا بد
سراها خانه ها و بیگانهان نماید
ولی تسلیم و سازش عار و ننگ است
فقط راه ظفر بر روز جنگ است
کسی که در ره سازش بکوشد
ره و خون جوانان را فروشد
کسی در رزم بند دست ملت
که با خون میخرد عنوان و قسدرت
رزم کارگر همراه توده
شود درهای پیروزی گشوده
ز همگانی شود با قهر و با شور
قنای مردمی فاتح بسه مسزور
چو حق را برستم پیروز گردند
عزیزان سوی خانه باز گردند
غبار دوشان را میتکانیم
همه با هم سرود فتح خوانیم
اگر در راه مردم سنگ و خار است
به رفعتش کارگر با خلق یا راست
کمرد رفیع ظلم از توده بسته
بسا زده رچه راه دشمن شکسته
بگیرد رهبری را با زوی کار
زویرانی به جانگذا رده آسار
بسا زدن نیروی همکاری مسا
دو باره شهرها و خانه ها را
همه آنها که با غم کوچ کسردند
به شهر و خانه خسودیا ز گردند
تلاش و ساختن بسیار داریم
عزیزم زنده با زاکار داریم

ما باز میگردیم

در شبهای اینسوی سرزمینمان
که بیبا دگود کیم کوچک میشوند
با بالهای خیال
بسویت پر میگذشایم
در آغوش با دها و گرم تا بستانت
و شرجی و هوای نمدار
در کوچه های غبار آلود چهل متری
آن خانه های کا هگلی
و دیوارها یگره خورده درهم
و کشتارگاه
که اکنون دلمه های خون
مثل گلشای سرخ و مخملی با غچه خا -
نه عمو حاجتی
همه جا بسته زده اند
و چمنهای سبز پارک
با زینچه ها دور از چشم نگهبان
و قرنطینه
ما باز میگردیم
ای باره تن میهنم

خونین شهر
ای که نامت
تدا عی خا طره سینه های باز
در زیر رگبار گلوله ها ست
و تلافی خون عزیزانمان
در شسط
که روان است و میجوشد
با دشمنانمان را
بر تیرکها و سقف چادرمان
حک زده ایم
و هر شب زمزمه وار میخوانیم
مرگ بر آمریکا ما باز میگردیم
با بغضهای سربین در گلو
و سلاحهای آتشینمان
که دشمن را میشناسد
ما باز میگردیم
(س - ر) کارگر پروژه ای
اهواز
۵۹/۱۱/۶

کمکهای مالی ارسال شده

شهر	مبلغ دریافت شده	کد
اهواز	۳۰۰۰ ریال	ن - ج
"	" ۳۰۰۰	ز - ج
"	" ۴۰۰۰	ا - ج
"	" ۵۰۰۰	ص - ع
اصفهان	" ۵۰۰۰	الف - ۵ - ی
"	" ۱۰۰۰	ب - ۹ - ن
"	" ۱۰۰۰	۴۰ - عباس - ب
"	" ۵۰۰۰	ج - ۱۲ - د
"	" ۳۰۰۰	ر - ۲۸ - ر
"	" ۲۰۰۰	الف - ۷ - د
تهران	" ۱۰۰۰	ب - ق
"	" ۵۰۰	ا - ق
"	" ۱۰۰۰۰	ع - ق
"	" ۳۵۰۰	م - ق
"	" ۲۵۰۰۰	ی - ۲۲
"	" ۱۰۰۰	ه - الف
مشهد	" ۱۰۰۰	ف - م
اصفهان	" ۵۰۰	رفیق دبیر بیکار
"	" ۱۰۰۰	رفقای دانش
"	" ۱۰۰۰	آموزش هین شهر
"	" ۱۰۰۰	رفقای دانش
"	" ۱۹۰۰۰	آموزش زین شهر
"	" ۱۰۰	رفقای کرمان
"	" ۱۰۰	از کاتاد
خانواده شریف و زحماتش از اهوای ما کمک مالی قابل توجهی ارسال داشته اند.		
بترتیب زیر:		
ریال	۳۰۰۰	پدر خانواده
"	۲۰۰۰	مادر
"	"	چهار فرزند به ترتیب
"	۵۰۰	زیر
"	۶۵۰	"
"	۵۰۰	"
"	۵۰۰	"
"	۷۱۵۰	جمع کل

توبه بخانه



رفیق ق. کارگزیات

نامه مورخ ۵۹/۱۲/۲ حاوی پیش-نیهادات و انتقادات شما بدستمان رسید. شما پیرامون تصحیح اغلاط املائی و مائین نویسی و نیز پیرامون تغییر آرم و طرحهای مربوط به ستون پاسخ به خوانندگان انتقاداتی بجا طرح کرده اید. در مسورد اول امیدواریم که به بهبود این اشکال در چندین شماره اخیر - گرچه هنوز کاری از اشکال نیست - پی برده باشید. از انتقاد دوم شما نیز استقبال کرده و فرصت را مغتنم شمرده و از رفقای که ذوق و تخصصی در زمینه طراحی برای نشریه دارند، میخواهیم در این زمینه به یاری رسانند. طرحهایی که مورد نیاز است برای ستون پاسخ به خوانندگان، سرمقاله، ستون کارگزی، دهقانی، جنگ و... میباشد. شعری که در خاتمه نامهتان نوشته اید تا اندازه ای نیاز به تصحیح و به عمل آوردن دارد. ذوق خود را بکار اندازید تا شعرهای بهتری برای ما ارسال دارید.

رفیق فرخ:

در نامه مورخ ۵۹/۱۱/۱۸ خود از جمله دو پیشنهاد طرح کرده اید. پیشنهاد اول مربوط است به شعر سال زمان "آمریکای نقشه میریزد، شوروی مسلح میکند، چین تا شید میکند، صدام تهاجم میکند، حوزب جمهوری، تفرقه میاندا زد و خیانت میکند." ایشان بنا به سه دلیل خواسته اند تا کلمه "فرانسه" در این شعر رنگینا نیده شود. ۱ - مسلح کردن عراق از سوی فرانسه واقعیت دارد. ۲ - اتهام "سه جہانی" بودن ما را با موضع گیری روی فرانسه رفع میکند، ۳ - نشان دادن انعطاف در برخوردش و واقعیات جدید.

اول اینکه از کوشش رفیق در جهت تدقیق شعر و خط مشی سازمان، بسیار خوشحالم. لیکن بنا به دلایل ذیل پیش-نیها در رفیق را صحیح ندانسته و در عین توضیح این مطلب میکوشیم تا معنیها و ضوابطی که برای سدوین یک شعر سیاسی - تبلیغی مطرح میباشد را به بحث بگذاریم.

۱ - اینکه فرانسه دست به چنیسیں اقدامی زده، واقعیت داشته و ما نیز در تحلیل های خود در شماره های گذشته حقیقت

نمیتواند جا یگزین فعالیت آگما هگران سه انقلابیون گردد و یا در مقابل آن قرار گیرد. از اینرو زمانیکه شعاری علیه امپریالیسم غالب در یک کشور طرح میگردد، حتما میبایست در کنار آن توضیحات کافی - چه راجع به خود آن امپریالیسم و چه در ارتباط با سایر گروه بندیهای امپریالیستی، صورت پذیرد. در غیر این صورت، یکجا نبرگری در کار سیاسی بین تسوده مردم، همواره امکان سوء استفاده و خطر گمراه کردن جنبش مردم را بهمراه دارد.

لذا برای رفقای که پیرامون شعار سازمان کار تبلیغی و سیاسی مینمایند، روشن است که نمیتوانند و نباید تنها به توضیح کلمات خود شعرا بسنده کرده و سایر مسایل مربوطه را به بیوته فراموشی بسپارند.

بهر حال اگر بخواهیم خصوصیات یک شاعر تبلیغی - سیاسی را با زگونما نسیم، نکات ذیل با ایده موآره در مدنظر قرار بگیرد. یک شاعر باید:

- ۱ - جهت گیری اصلی نهضت مردم را روشن نماید.
- ۲ - از مجموعه خصوصیات و احوال سیاسی موجود نتیجه گیری شود. (لنین - در اطراف شعارها)
- ۳ - بیانگر عمیق ترین تضاد مردم و جود و مقابله با نهضت باشد.
- ۴ - بتواند همه نیروهای که در پیشرفت آن نهضت ذینفع هستند را بسیج نماید.
- ۵ - قابل درک برای اکثریت توده مردم باشد و در جهت بالا بردن سطح فکری و آگاهی سیاسی انسان قرار گیرد.
- ۶ - باید زمینه مادی طرح و اجراء آن موجود باشد یعنی "قابل اجراء" باشد. (لنین همانجا)
- ۷ - مشخص باشد و نه تجربیست (مثال "عامل گرانی... سر - مایه داری وابسته" و علمبر غم صحت و یا عدم صحت این شعرا را این شعاری است تجربی و غیر قابل فهم)

و بالاخره

- ۸ - باید دشمنان اصلی و واقعی و مهمترین دستیاران این دشمنان را آشکارا مورد حمله و افشاگری قرار دهد.

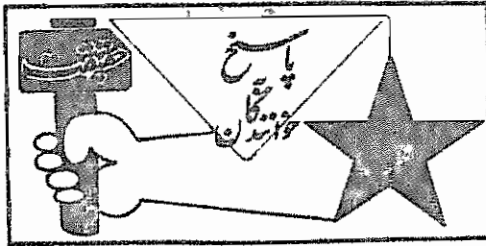
نتیجه اینکه میخواهیم از مجموعه بحث های فوق بگیریم اینست که، پیش-نیها در رفیق برای اضافه کردن کلمه فرانسه، بقیه در صفحه ۲۱

پیرامون نقش کشورهای امپریالیستی در این جنگ تحا و زکارانه و از جمله فرانسه گفتگو کرده ایم. در عین حال هم آلمان و هم انگلیس و نیز برخی دیگر از کشورهای امپریالیستی عراق را در برابر ایران مسلح کرده و میکنند. انقلاب ایران تنها با دو ابر قدرت مقابل نه نگردیده بلکه با جمع دنیای امپریالیستی غرب و شرق روبه سرو است و لذا صرف اضافه کردن واژه فرانسه هدفی را که شما دنبال کرده اید برآورده نمیکند.

۲ - در مورد اتهام "سه جہانی" بودن ما، اتهام بی ربطی است. علت طرح نقش حمایت آمیز چین از رژیم صدام، علاوه بر جنبه واقعیت داشتن، همانا اینست که حساب کمونیسم انقلابی و جایگاه آن در انقلاب مردم ایران از این نیروی مدعی "کمونیسم" جدا گردد.

۳ - شعرا رفیق الذکر عمومی ترین و اصلی ترین هدف گیریهای نهضت استقلال طلبانه مردم در این جنگ را ترسیم میکنند، نقش اصلی ترین دشمنان انقلاب و استقلال میهن را روشن میسازد، و در عین حال جایگاه هر یک را - بترتیب آمریکا، شوروی و سپس چین - که مجموعه حرکات آنها که منجر به تهاجم و صدام شده اصلی ترین حرکت در توطئه علیه انقلاب و استقلال میهن ما را ترمیم میکنند.

۴ - آیا این شعرا از نقطه نظر مضمون و محتوی سایر دشمنان انقلاب و استقلال میهن را نفی میکنند و یا پرده پوشی مینمایند. توجه رفیق را به این نکته جلب میکنیم که شعرهای سیاسی که از جنبه تبلیغی و سیاسی عملی حائز اهمیت هستند، در کنار خود به فعالیت آگما هگران و ترویجی احتیاج دارند. اصولا هیچ شعاری بخود خود نمیشود تبلیغ کننده و یا آگما کننده باشد. مگر آنکه در حوال آن فعالیت مشخصی سیاسی آگما هگران صورت پذیرد. کار سیاسی در کنار تبلیغ یک شعرا از ملازمات یک فعالیت سیاسی آگما هگران و انقلابیست است، که بدون این کار شعرا ردهی تبدیل به لفاظیهای پوچ و توخالی میگردد. طرح یک شعرا بخودی خود به تنهایی نیاید و



ویا به آن اذعان نمیکنند، می-
توانند از اینگونه حرفها بزنند،
تنها کسانیکه از منی لنین بریده
و به سطح مدافعین انترناسیونال
دوم تنزل کرده اند میتوانند از این
گونه صحبتها بکنند. (استالین -
همانجا)

بنا بر این میتوان اصلی ترین وجه
اختلاف این دو بورژوازی رادرفلی بودن
و ضد امپریالیستی بودن یکی (ایران)
و نبودن دیگری در (روسیه) مشاهده نمود.
از جمله سایر وجوه اختلاف این دو
بورژوازی را میتوان در تسلط نسبی
بورژوازی لیبرال روسیه بر اقتصاد آن
کشور و عدم تسلط بورژوازی لیبرال ایران
بر اقتصاد آن کشور خودمان ذکر نمود. سو-
رژوازی لیبرال ایران تنها بنده سیاسی
آن قشرا بورژوازی است که صاحبان
صنایع متوسط و کوچک تجار و بازرگانان
متوسط و روشنفکران شاغل در عرصه های
نسبتاً مهم اجتماعی - مانند قضاوت و وکلای
دادگستری، کارمندان نسبتاً عالیرتبه
کنونی، دکتراها، متخصصین درجه بالا،
دانشگاهیان و... را در بر میگیرد.
خصیصه سیاسی اینان فدیت نسبی با امپری-
الیسم و مدافع حکومتی مستقل از نظریه
سیاسی است. در صورتیکه چنین شرایطی
برای بورژوازی لیبرال روسیه ۱۹۰۵
موجود نبود.

حال بپردازیم به برخی وجوه تشابه
این دو طبقه:

هیچکدام ارتجاع نیستند. نه سو-
رژوازی لیبرال ایران و نه بورژوازی
لیبرال روسیه. لنین میگوید "حزب
بورژوازی لیبرال سلطنت طلب... از
جنبش بمراتب بیشتر میترسد تا از ارتجاع".
بنا بر این این حزب از نظر لنین بخشی از
ارتجاع نیست، چه در غیر این صورت ترس-
سیدن از ارتجاع بمعنی ترسیدن از خود
میبود. در مقاله "مورد استناد ما از لنین
(احزاب سیاسی در روسیه)، او ارتجاع
را در "ارودسته" استبدادی تزار و جناحهای
دست راستی (ملاکان و اکتبریهها) که
بورژوازی بزرگ و مالک بودند) تعریف
میکند.

جناح راست بورژوازی ملی ایران
و بورژوازی لیبرال روسیه از جنبش توده ها
هراس داشته و دارای خصیصه سلطنت طلبی
هستند. بدین مفهوم که حرکت سیاسی شان
در جنبش، شراکت در قدرت سیاسی بنا
در باره (و بطور کلی ارتجاع) است. این
بقیه در صفحه ۲۲

از سوی دیگر کشورهاست، همنان
میدانند. (استالین - "پلنوم
مشترک کمیته مرکزی و کمیسیون
مرکزی نظارت حزب کمونیست اتحاد
شوروی - بلشویک -)

وجوه اختلاف میان بورژوازی لیبرال
روسیه ۱۹۰۵ و بورژوازی لیبرال ایران
۱۳۵۷ -

لنین در مقاله ای تحت عنوان "ار-
یایی از انقلاب روس" (آوریل ۱۹۰۸ -
جلد ۱۵ انگلیسی) بورژوازی لیبرال
روسیه را با بورژوازی لیبرال آلمان در
انقلاب ۱۸۴۸ مقایسه میکند. او بین این
دو بورژوازی تفاوت قایل است و ما نیز
میتوانیم از این ارزیابی لنین استفاده
کنیم.

لنین نوشته است که "آگاهی طبقه -
تی پرولتاریای سوسیالیست، ... و روحیه
بی نهایت انقلابی موزیک (دهقان در روسیه
مترجم) ... اینها عواملی هستند که
لیبرالیسم روسی را با قدرت بسیار بیشتری
بسوی ضد انقلاب پرتاب کردند تا لیبرالیهای
اروپایی را".

این نقل قول از آن جهت حائز
اهمیت است که:
علیرغم برداشتهای جزماندیشانه
چپ نمایان در جنبش ما، لنین لیبرالیسم،
روسی را با لیبرالیسم اروپایی متفاوت
دانسته، و در گفتار خود پذیرا مون بورژوا-
زی لیبرال روسیه خصوصیات آنرا به سو-
رژوازی لیبرال در مابقی کشورها تعمیم
نمیدهد. بعبارت دیگر شعار ریف لنین از
بورژوازی لیبرال روسیه، مختص کشور
خودش میباشد و نمیتوان الگووارانه به
سایر کشورها تعمیم داد.

استالین نیز در همین مورد تفسیر و
تسکیتها را مورد سرزنش قرار داده و بر علیه
تعمیم ارزیابیهای لنین در مورد انقلاب
دموکراتیک به سایر شرایط اینگونه هشدار
ری میدهد:

"ولیکن اپوزیسیون فراموش می-
کند که تنها افرادی که اختلاف میان
انقلاب در یک کشور تحت ستم و بسا
انقلاب در کشوری ستمگر را نمیفهمند

در درجه اول غیر لازم و مربوط به
بخش کار سیاسی در کنارت طرح شعار مورد نظر
است، و زنده دشمنان اصلی مورد نظر را -
شین میآورد، تا حدودی عرصه اهداف
شعار مورد نظر را بدون اینکه لزومی باشد،
بزرگ مینماید.

در باره پیشنهاد دوم شما مبنی بر
اینکه پس از آماده کردن زمینه برای طرح
مواضع جدید و یا شکامل مواضع جدید، مو-
ضع گیریهای جدید صورت پذیرد، رایجاً
دانسته و در این باره خواهیم کوشید.

هواداران بوکان

در شماره گذشته پاسخ به آخرین
سئوال رفقا را به این شماره موکول کردیم.
سئوال ۷: "لطفاً وجه تشابه سو-
رژوازی لیبرال روسیه در ۱۹۰۵ و بورژوا-
زی لیبرال سهم در قدرت (رژیم جمهوری
اسلامی) و نیز وجوه اختلافشان را مختصراً
توضیح دهید".

قبل از هر چیز مجدداً متذکر میشویم
که لیبرالیسم یکی از روشهای سیاسی سو-
رژوازی ملی ایران و جناحهای اصلی
آنست. اصل سئوال باز میگردد به ملی-
بودن بورژوازی ایران و عدم وجود چنین
خصوصیتی برای بورژوازی روسیه.

همانقلاب ۱۹۰۵ - ۱۹۱۷ روسیه و هم
انقلاب کنونی در کشور ما، هر دو از نسوع
متفاوت از انقلابات دموکراتیک هستند و
هر کدام ویژگیهایی دارند که از جماع مهم-
ترین آنها ملی و ضد امپریالیستی هستند
انقلاب دموکراتیک در کشور ما است، در
صورتیکه در روسیه چنین وضعیتی وجود ندا-
شت. اهمیت این موضوع از جمله در ایسن
مطلب است که وجه ملی بودن انقلاب سو-
کراتیک (در تضاد با امپریالیسم) و بسا
وجه تضاد ما بین بورژوازی ملی و امپریا-
لیسم، در کشور ما وجود دارد ولیکن در روسیه
۱۹۰۵ چنین وجه تضادی وجود نداشت.

"اشتباه اصلی اپوزیسیون در این
نهیفته است که انقلاب ۱۹۰۵ روسیه،
یعنی یک کشور امپریالیستی که بر
سایر ملل ستم و میبداشت را بسسه
انقلاب در چین، در کشوری تحت
ستم و بنیه مستعمره، که مجبور به
مقابله با ستمگری امپریالیستی

مسئله جما قدری

بعیده از صفحه ۲۴ —
 نظم و آرا منی در جامعه از جمله برهم زدن آرایش و جلسات سخنرانی است، مزرده قبول همه هست و همانطور که گفتیم، بارها من روی آن ناکید کرده‌ام، ولی در این نامه نیز از این نکته یاد شده که یکی از راه‌های موشربرای پیشگیری از این رویدادها تقوی گویندگان و نویسندگان است و اینگونه در نوشته‌ها و گفته‌های خود بکوشند مطلب تحقیق شده را بگویند تا هر نوشته و سخنرانی بر اساسی کمکی به رشد اجتماعی خواننده و شنونده باشد، این روبه‌بیشک به افزایش تفاهم و اعتماد کمک میکند و خود مانع بسوزر اینگونه حوادث میشود....."
 معنای کلام آقای بهشتی این است که: از هر چه و سرچ انداختن و برهم زدن جلسات و مجالس سخنرانی نظیر مجلس سخنرانی لاهوتی در کیلان البته باید جلوگیری کرد، ولی "یکی از راه‌های موشربرای پیشگیری از این رویدادها" دستگیری و مجازات چنانی دارند و دسته‌های مهاجم ۳- دست نمی‌باشد، بلکه "تفسوای گویندگان و نویسندگان است"، یعنی گویندگان و نویسندگان حرفی بگویند و بنویسند که باعث تحریک جما قدران و سر دستگان آنها نشود، یعنی بسد ساز آنها برفتنند، برای همین ایشان عامل "متشنج کردن و مسموم کردن جوامع" را در آزادی عمل دسته‌های چماق دار نمی‌دانند، بلکه در وجود

آزادی بیان و اظهار نظر می‌داند و در سیاحت "سخنرانان" نظیر آقای لاهوتی می‌خواهد که "ارضا نیکویی جیت حوحریک بوجود می‌آورد"، یعنی سخنانی که حضرات جما قدران و آریا بسا - شان را دلخور می‌کند، "خوددا - ری کند"، عبارت دیگر خفیه شوند و زبانان را در دهان بگردانند تا کسی هم بیرون بیان جفا نکند. راهی که استیجی ها و کشیشی‌های کاتولیک قرون وسطی سیر پیش پای معترضین خود می‌کردند، و نامه معدوم هم در زمان خودش به "گویندگان و نویسندگان" معترضی موصوفه میکرد. اسران حزب ساری آلمان هم به معترضین به دسته‌های شبه نظامی و تحریک و آتش سوزی شان همین توصیه را می‌کردند. در واقع رئیس فقه قضائی کشوری یعنی جناب آیت الله بهشتی اظهار ناراضایتی از "امنیت قضائی" را که توسط جما قدران ایشان سلب میشود از سلب این "امنیت" توسط جما قدران خطر زنگری برای نظم نظام دلخواه خودشان میدانند، و بیشرمانه اسلام می‌کنند که: "مسئله حمله به جلسات سخنرانی یک مسئله طرف فاقضائی نیست، آنچه در ساره امنیت قضائی در نظام جمهوری اسلامی گفته میشود، اگر از آنچه هست بزرگتر شود، خود یک اخلاق در نظم جمهوری اسلامی مسا (بله، دقیقاً "ما") خواهد بود....." بعبارت دیگر مسئله جما قدری و هفت تیسر کشی بر روی مردم یک مسئله صرفاً قضائی نیست، و نباید آن را زیاد بزرگ کرد، ولی اظهار ناراضائی و تفتیح جما قدران و هفت تیسرگان قاعدتاً مسئله ای صرفاً قضائی بوده و بعنوان "اخلال در نظم جمهوری اسلامی" ایشان باید تحت تعقیب قرار گیرد. آیا بی برده ترازا بسن میتوان به حمایت از جما قدران و فساد آنها در جامعه برخاست؟ آقای منادی خیلویه از

وردسان جناب بهشتی که گاه بسواں حاکم شرع حکم مضبوط را هم در دست دارد، بی برده تر به دفاع از جما قدران و فساد آنها برخاسته و جنابان و قداره سندی های حیاتی آنها را بعنوان "ختم بوده‌ها" تقدیس میکند، و حتی ظلمکارانه مدعی میشود که "این گروهها"، یعنی همان سخنرانان و سازمانهای که بر حمله و هجوم جما قدران است. "هنسند که عامل این سر خوردها میباشند" و اگر قرار

است "سرخوردن طاع" و "کنشترلی" در بین ما نباید باشد - "گروهها" - و نه به جما قدران - سرخوردن طاع کرد و تحت کنشتر - لسان فرار داد. بعبارت دیگر برای رهاشی از شرحاتی نباید سر به آستان جما قدران نهاد. بیرونی است که ما در اینجا سا خود جما قدران، با سراسر آنهاست، که روی پرو هستیم.

پاسخ به ...

بقیه از صفحه ۲۱
 امر در مرحله ما قبل قیام در ایران کاملاً مشهود بود. آنها هر دو مخالف انقلاب و روشهای انقلابی و شرکت تسوده مردم در امر انقلاب هستند. هر دو خواهان آنستند که مردم از سیاست بدور مانده و امور مورد اختلاف در جامعه توسط ایشان حل و فصل گردد. آنها هر دو توجه گرو را بشکر حکومت ارتجاع هستند، لیکن هر دو با برخی نیوهای استبدادی و خشونت بار حکومتها ارتجاعی مخالفند.
 آنها هر دو نماینده لایه‌های میانی بورژوازی هستند. نه بورژوازی بزرگ هستند و نه بورژوازی کوچک. اینها برخی از وجوه تشابه این دو بورژوازی است.

رفیق لک ...
 نامه بدون تاریخ شما بدستمان رسید. در آن سؤال کرده بودید: "در حقیقت" شماره ۱۵۵، مقاله "درباره" اوضاع جهانی" آمده است که سال ۱ و ۲ و ۳ نه برای صلح و ادامه صلح است بلکه برای ادامه روند نظامی گری و... است، این تحلیل مدلل نشده است و فقط به ذکر این بسنده شده است که: قرار دادهای سالت بخاطر ادامه نظامی گری است نه برای صلح. خواهش داریم این مطلب را روشن کرده و دلایل آنرا ذکر نمائید.
 در مقاله "حقیقت" ۱۵۴ مربوط به اوضاع جهانی و این مقاله مورد نظر به تفصیل از جوانب مختلف، روند نظامی گری و تشدید آن بررسی و مدلل گشته است. در اینجا یکی از جوانب رشد نظامی گری برهم خوردن پیمانهای تحدید سلاحهای استراتژیک ذکر شده و گفته شده است که برهم خوردن این قراردادها خود حکایت از توسعه نظامی گری در ابعاد دنیوی دارد و سپس یک جنبه همین مسئله که آزمایشی و بکارگیری سلاحهای نوین است و هر روز هزاره خانه‌های امپریالیستها و سوسیال امپریالیستها را پر میسازد به تفصیل اشاره شده است. باید پرسید چه ضرورتی سالت ۲ راجع به سالت ۱ و سالت ۳ راجع به سالت ۲ مینماید؟ آیا این ضرورت ادامه روند "صلح" بین امپریالیستها است یا اینکه روند رقابت حنون آمیز برای چیرگی نظامی که بعد از قرارداد صلح آمیز ادامه یافته و در مرحله جدید خود احتیاج به قرارداد دنیوی - بقیه در صفحه ۲۳

گزارشی از عملکرد امام جمعه حزبی در

هشترود

وضع روستا قبل از فرم امیربالیستی:

روستای "آرقنا" از توابع هشترود در رأی شش دانگ زمین آبی ویدی میباشد که سه دانگ از کل شش دانگ زمینهای روستا را فئودال ده صاحب بوده است، که بعداً به شخص دیگری واگذار (مفروشید) بعد از خریداری، همان شخص بسا سوسل به زور یک چهارم از باغات را نیز بعنوان "مستثنیات" که از مرغوبترین زمینهای آبی روستا میباشد به ملک خود اضافه میکند. ارباب به جز "مستثنیات" سایر ملک خود را به روستا... ثیان در برابر بهره ای معادل با "چهار به یک" به اجاره میدهد.

وضع روستا بعد از فرم امیربالیستی:

ارباب ملک خود را به جز "مستثنیات" با همان بهره قسلاً از فرم به روستا ثیان به اجاره میدهد که بعداً از طرف دولت و قسلاً دستوراً در میشود که با بایده ملک خود را بفروشی و یا بطریقی برای خوابانیدن مبارزات دهقانان با روستا ثیان به توافق برسی !! ارباب از طریق زور و رشوه و به کمک "وکیلی" نام، مهندس اداره کشت و رزی و "صادقی" نام، رئیس اداره کشت و رزی تمام "مستثنیات" را نگه میدارند و از سه دانگ زمین آبی ویدی نیز بعنوان "هکتار" یعنی یک چهارم ملک خویش را صاحب میشود. وضع به مدت ۷ سال به همین منوال ادامه مییابد در طول این مدت ارباب از زمینهای آبی استفاد کرده و زمینهای دیدمی را به حال خودرها میکنند در صورتیکه دهقانان تشنه کشت و کار بودند و ارباب به هیچ وجه اجازه بهره برداری از زمینها را به روستا ثیان (حتی با بهره) نمیداد.

بعد از پیروزی قیام:

در پانزدهم سال ۱۳۵۸ (موقع کشت) دهقانان که کاسه صبرشان لبریز شده و در اثر پیدا کردن آگاهای سیاسی و در اثر از بین رفتن رژیم پشیمان فئودالها، بدون تاخیر به کمک نیروی خودشان ملک ارباب را کشت نموده و بطور کلی زمینهای ارباب را از دیدمی گرفته تا آبی و "مستثنیات" را صاحب میشوند (در این حرکت انقلابی پاسداران و غیره هیچ دخالتی نداشتند) بعد از این عمل انقلابی دهقانان، ارباب به دست و پا افتاده و شکایت به تشریح میبرد و در آنجا جواب میشوند که وقتش را گذرانده ای چرا که باز تو خودت کشت کرده بودی و به اینجای می آمدی یک کارش میشد کرد، ولی حال کارا زکل گذشته و از دست ما چیزی ساخته نیست، بعد از گذشت ۱۶ ماه از تصرف انقلابی زمینهای ارباب توسط دهقانان و بعد از گذشت حدود ۲ سال از پیروزی قیام حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی برای بدست آوردن پایگاه در این منطقه (در این منطقه حزب گذاشت بطور کلی پایگاه خود را از دست داده است) موفق به صدور "امام جمعه" ای بنام محمد روحانی میگردد. چند صباحی از ورود "امام جمعه" به شهر نمیگذرد که زمینداران بزرگ و کوچک به حضور "آقا" آمده و بعد از چند نشست و برخاست، نتیجه این میشود که اول بایسد زمینهای زی کرد بعد دست بکار شد که بعداً تصمیم عوض شده و قسراً سرابن میشود که ضمن زمینهای با بدست بکار هم شد. از هفتاد بعد لجن پراکنی شروع میشود، بالای منبر آیه پشت آیه: کس

کسی با توجه به این آیات حق ندارد حقوق دیگران (منظور فئودالها) را ضایع کرده و به زمین دیگران (منظور فئودالها) دست درازی و طمع ورزی (منظور تقسیم زمین) بکند. و در این میان گویا ارباب روستای "آرقنا" از دیگران پیشی گرفته و آقای محمد روحانی (امام جمعه) و تنی چند از روحانیون شهر (شورای روحانیت) را به روستا میبرد. امام جمعه و اعوان و انصارش بعد از بازدید قلابی از ملک ارباب که کلاً در دست دهقانان میباشد ارباب اجازه داده میشود که بطور کلی از "مستثنیات" استفاده کرده و از "هکتار" نیز به سهم سه برابر یک دهقان مرفه بردارد. حال سرنوشت بقیه ملک ارباب را روشن نکرده و گفته است که بعداً روشن خواهد کرد و نیز معلوم نیست که عکس العمل دهقانان در برابر این عمل چه خواهد بود یا بقیه ملک در دست دهقانان باقی خواهد ماند یا نه!

هواداران! اتحادیه کمونیستهای ایران
 هشترود

قانون تقسیم ظاهراً اینگونه بوده است که فئودالها یک چهارم زمینها را به انتخاب بردارند و بقیه را به ثیان بدهند در اکثر روستاها فئودالها سه چهارم و یک دوم را (البته گلچین کرده اند) صاحب شده اند.

پایخ به

میاید. برای روشن تر شدن مطلب به آمار و ارقام رجوع کنیم. در حالیکه برای "خلع سلاح" طی ۳۰ سال اخیر حدودش هزار جگمه بین المللی برگزار شده است. رقمی که برای تسلیحات در جهان خرج میشود امروزه به سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است که هشتاد درصد آن مربوط به بیلوکیهای تجا و زگرنا تو و روشواست. امروزه در جهان دهها هزار سلاح هسته ای وجود دارد و هفتاد درصد بیلوکیهای علمی در زمینه نظامی است. معارج نظامی بین سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ ده درصد افزایش داشته است. طی ده سال اخیر بودجه نظامی آمریکا و شوروی دو برابر شده است. این دوا بر قدرت امپریالیستی آنها در سال گذشته برای تسلیحات خود ۳۲۰ میلیارد دلار خرج کرده اند. این حقایق علیرغم برگزاری تمام مذاکرات خلع سلاح و انعقاد دبیمانهای تحدید سلاحهای استراتژیک فقط این نکته را ثابت مینماید که روند نظامی گیری و مسابقه تسلیحاتی از جانب امپریالیستها بشدت تشدید یافته و ابداً دهنون آمیزی خود گرفته است.

حقیقت

ارگان

اتحادیه کمونیستهای ایران

را بخوانید

اخبار جهانی

بقیه از صفحه آخر

موضع آمریکا شادکن آنها را در ذهن مردم ما مخدوش ننموده است.

فیلیپین

این بنظر اقلانه میرسد که تمام دیکتاتورها شبیه به هم باشند، با لایحه همه آنها با مسائل مشابه مواجه هستند، کارگزاران نیکه اعتنا ب میکنند، روستا ثباتی که بقیام، برخواستن است و روشنفکرانی که مزاحم هستند و در شرایطی که همه مخالفان بسبب جوبه دار سپرده میشوند در زمینه افکار عمومی آنها به انبساط و اقسام نیرنگ ها احتیاج دارند، به همین خاطر است که وقتی ایرانیان خبرتدارک ما رکوس دیکتاتور فیلیپین و زورش را برای ملاقات رسمی با پاز فیلیپین میشوند بی اختیار حرکات شاه و فرج را در مراسم این چنینی بخاطر می آورند، وقتی حضرت با پ به پایتخت می آیند با پیدا استقبال با شکر و گلریزان در مقدمشان تدارک شود و اگر و برای نیت های تبلیغاتی خودش میخواهند دیداری هم از محله های فقیرنشین داشته باشند با شکوش میشود گوشه ای از مغز و به بصورت پارک در آید و در همین گوشه اتفاقا تمام بنا ها می که در حال فروریختن اندر ننگ و جلا زده میشوند و گلدانها آویزان میگرددند، خوشبختانه حضرت با پ هرگز خیال ندارد تدارکاتی که برای دیدارش تهیه شده بر هم زنده آنهم در کشوری که یکی از ثروتمندترین کلیسا های کاتولیک را دارد، او از کاخ ریاست جمهوری دیداری خواهد داشت و در چنانچه رچوب موضع رسمی کلیسا یعنی "همکاری توأم با انتقاد" باقی خواهد ماند، البته ما رکوس درک میکنند که با پ بر روی زمین لغزنده قدم بر میدارد، در کشوری که کثیف ها و خواهران مقدس به صفوف میهن پرستان پیوسته و تفنگ بردوش بر علیه رژیم او میچنگند رژیم ما رکوس در چشم مردم فیلیپین آنچنان منفور است که اگر چنانچه پ آشکارا نزدیکی خود را با این دیکتاتور نشان دهد نفوذ خود را بر روی ۸۵ درصد جمعیت کاتولیک فیلیپین به خطر انداخته است.

آمریکا

رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا از مردم آمریکا خواسته تا کمر بندها را سفت کرده و به "فداکاریهای بزرگ" دست زنند تا کشتی اقتصاد آمریکا نجات یابد، ریگان مانده، یکنواختی گان سیاسی امپریالیسم میبندد که بحران بین المللی سرمایه داری آمریکا را بسوی گرداب خطرناکی سوق میدهد، ریگان و همپالکی هایش از بدو انتخابات سعی در شکل دادن افکار عمومی برای حذف برنامهای کمک به مستندان نموده اند در درکش ریگان و دارودسته اش برای تحمیل بار بحران اقتصادی بردوش مردم، ارگانهای تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا نیز با تمام نیرو شرکت میکنند، اخیرا مجله "تایم" پروژیه ویژه "احیای آمریکا" را اعلام نموده است و این پروژیه در تمام مطبوعات وابسته به شرکت تایم مانند تایم - لایف - پیپل - فورچون - مانیت - اسپورت ایلوستریتا اجرا میشود، زمینه اصلی این پروژیه ویژه

برای تحقیق توده ها است که اینطور فکر کنند که آنها هستند که باید با این بحران را بدوش بکشند، اینطور فکر کنند که باید توقعشان را کم نموده و نسبت به اوضاع نکبت با رکونی "واقع بین" باشند و روابط آمریکا را با رژیم های وابسته و فاشیستی بپذیرند، اینطور فکر کنند که با بدو زوری رغبت به صفوف ارتش امپریالیسم فرا خوانده شوند و برای مطامع جهانی کسانی کشته شوند که بر آنان حکومت کرده و آنها را تحت ستم قرار میدهند، اینطور فکر کنند که نباید در مورد افزایش قدرت نیروهای انبساط داخلی شکوه نمایند و باید دستها را از آنها بکشند، این است بیسبب حقوق بیشتر خطرناک بوده و سرکوب خواهد شد، این است بیسبب نشریه تایم بلندگوی تبلیغاتی امپریالیسم یا نکی برای مردم آمریکا، ولی باید بین آقایان گفت که با گزارش های ویژه ۲۵ صفحه ای نمیتوان باسانی مردمی را فریفت که برای سالهای متمادی فداکاریهای زیادی نموده اند، چه کسانی در میان مردم آمریکا میتوانند کمربندها را که تا آخرین سوراخ سفت شده است با زهم بیشتر تنگ کند، چه کسانی در میان مردم آمریکا توقعشان را کم خواهند کرد وقتی که زندگی آنها با بیکاری و سرکوب سیاسی عجین شده است، اما جوانان آمریکا باسانی برای کشوری خواهند جنگید که چیزی جز میلی بر صورتشان نزده است؟

قرقره زیبا

بقیه از صفحه ۱۱

بحث بین خودکارگران ادا مه داشت، یکی می پرسید: "چرا نمایی خواهد نمود بدهند؟" دیگری در جواب میگفت: "رفسنجانی و دیگر هم دستا نش گفته اند سود ویژه حرام است، کارگران ولی گفتند: "بی خود گفته، شورا باید بدهد، اگر ندادمی کشمش یا نین، درک بگوید سود حرام است و او را هم میکشیم یا نین، تا روز پنجشنبه ۳۰ بهمن مدیر شورا بهردری زدند با اعتراض شدید کارگران روبرو شدند؛ فقط در بعضی از قسمتها توانستند مضاء بگیرند، کارگری که موافق ۱۲ ساعت کار بود میگفت هر کسی کار نکند مسلمان نیست، دیگران در جوابش گفتند، بله مسلمان تا زهد و ران رسیده نیست، ما کسی نیستیم که از این حرفهای ضد کارگری بترسیم، و این چنین یکبار دیگر مبارزه کارگران در نتیجه اتحاد و همبستگی و افشاء حیلها شیکه برای استثمار هر چه بیشتر کارگران به پیش کشیده میشود، به پیروزی میرسد، به امید پیروزیهای بس بزرگتر

دوستان و رفقا

اتکاء مالی ما بشماست

کمکهای مالی خود را بهر طریق

ممکن ارسال و اید

یادداشتی بر...

بقیه از صفحه آخر

مسئولیت آقای مهندس ودوستانش در آنچه که بر سر انقلاب ما آمده است سبب آن است که ایشان با ادعاهای اصلاحگری های سنگر خود سرعده میگیرند.

اما مرور متاسفانه کار انقلاب ما و سرنوشت آن بخاطر انحصارطلبی های حسیبوزب جمهوری اسلامی بجایی کشیده است که از بنگو ما در براسر دشمن نتجا و زگر یعنی از انجام یک حرکت تعرضی در دفاع از میهن در مانده ایم و از سوی دیگر هم استبداد متعصبان حسیب امیریا لیمم که از این حسیب گذا بی وکا بین دست نشاندگان ها و اکثریت مجلس دست نشاندگانها و قوه قضائیه آنها متراود. چا معده ما را بر عت به غرقا بیسی میسرند که مهندس بازرگان حتی تصورش را هم نمی توانست در خاطر خود درود دهد. و درست از همین جا است که مهندس با زبیه میدان آمده است. قصد بازرگان از این به میدان آمدن مبارزه است و مبارزه با انحصارطلبی امروز درجا معده ما را بر سرای کنگام کدام مبارزه و سرای کنگام هدف؟ بازرگان و سایرانش در حقیقت با جوسا زتی و تسلیمی گذا سبدا دگران حزبی در مقابل امیریا لیمم به جا معده ما تحصیل میکنند تا دیوار نشد آنها اسفا تا سلطه همی حواس است که دوباره معده ما را دهانده است. سوابق مبارزه آقای بازرگان سرخسده است و کوروشی که

در سر را بر امیریا لیمم و دشمنان ملت صورت بگیرد نمی باشد و به این دلیل با مبارزه ای که توده های مردم ما خواهان آن بوده و چا معده ما می طلبید حداثه آقای مهندس و با رانش هیچگاه مبارزه فدا میریا لیمم است. آنحالی نگرده اند آنها بقول خودشان همواره استبداد مبارزه کرده اند با دستکم از سال های بعد از کودتای ۲۸ مرداد همواره روی این خط سوده اند. کمونیستها و انقلابیون از هم مبارزه ای سرعلیسه استبداد که راه را بر شکست انقلاب بیندود به جمع بیسرو های دمکراسی یاری برسانند پشتیمان می کنند اما آقای بازرگان و مبارزات ایشان این خط را بداشته و مطابق معمول سنوای به هدایست مردم بسوی سازش میگویند. امروزه در شرایطی که مسردم ما هر روز کشته و گرفت شدیدتری نسبت به حزب حاکم پیدا می کنند، آقای "مهندس" در سخنرانی خود مردم و مخاطبین را به جنگ ردن به ریسمان خادوند میخواند و این حسیب دعوت میکند که او با رانش را با زب میگرد و به ریسمان واحدی جنگ زنند. او میگوید: "در شام ره عا اسهند روزنا مدارگسان حزب جمهوری اسلامی سر عنوانی دیده شد که آنرا طلبیه مبارکی در جهت وحدت و حل مشکل بزرگ مملکت میگیریم" و سپس بسا اشاره به سر مقابل حزب و قولی از موسوی اردبیلی میگوید که "تا نا سخن از زبان ما می گوئی برگشتن از اتفاق و اختلاف و رفتن بسوی وحدت و اتحاد جزا که رگذا شن سوء ظن و نهمت و حوسب: میل به الفب و حسن سیت... و بالاخره جمع شدن بر حول مشرکان تا اساسی ضروری امثال پذیر نمی باشد" واضح است که اس آن مبارزه ای نیست که بیروهای دمکراسی و آزادخواهان ایران را

دعوا ها نه ملت مستعبده ما را منعکس کند. آقای بازرگان از وحدت سخن میگوید البته مسردم ایران خواستار وحدتند اما نه این وحدت. مردم ایران خواه سنار وحدتی هستند که بر علیه اسعدا و امیریا لیمم و در جهت رهایی ایران و انقلاب از خطر استی ساند که آنها تهدید میکنند اما آقای بازرگان مردم را به وحدت با دارودسته استبدادگرا بهشتی و شرکا فرا میخوانند. مردم ما دردورانی که اسن وحدت در شورای انقلاب و حاکمیت سیاسی حاکمه ما وجود داشت از جا ر خود را از آن ابراز کرده اند. ما این وحدت را نمی خواهیم. این وحدت مردم ما نیست. وحدت علیه مردم ما است. این سازشکاری مفرط است و سازشکاران را با استبداد طلبان آنها در حاکمیتی مانند همین جریان حاکم مطلقه مجتمع میسازد. مردم انقلابی ایران این سازشکاری ها را محکوم میکنند و خواهان بسر انداختن حزب جمهوری اسلامی و اعتلای مبارزه در راه کوتاه کردن دست امیریا لیمم عمالش از میهن هستند و این برانداختن ها و اعتلاها را "مهندس" هیچ گاه خوش نداشتند.

در این رابطه یک نکته آخری هم بگوییم و آن اینکه عده ای از گروه های چپ نما ما نند پیکار را راه کارگسرو دیگران به مناسبت سخنرانی بازرگان در واقع سیاست تحریکیم را که امثال حزب جمهوری اسلامی و ایران نسوده ای اکثریتی آنها پیش گذا رده بودند دنبال کرده و سر سرگذرها مردم را از شرکت در این سخنرانی ها منع میکردند. بگذا رصرا حقا بگوییم که ما حق آقای بازرگان را برای ابراز عقیده در حاکمیت ایران محترم میسازیم و مدعی آزادیهای دمکراتیک را در همه مسوارده حکومت می کنیم. اس سرخورد

به حقوق دمکراتیک جریانات سیاسی که چپ نما های مسادر بین گرفته اند در واقع تفاوتی با موضعگیری فاشیست مساب حزب جمهوری اسلامی وسوده ای ها و اکثریتی ها نداشته و تفاوتی دقیقاً زیر لوای همان استبداد ضد لیبرالی آنان هم صورت می گیرد. از این گذشته اس بسر خوردها به امثال بازرگان ریزدی هم زمسته معده که بسرو های انقلابی چا معده را بر استبداد طلب و همسویی سبدا استبداد دیون حزبی و خائنی مسکو پرست جلوه داده و نوده های مردمی را که از تعدل در حاکمیت استبداد زده ما خواهان آزادی اند به دور علم و کتک خسود نکشاند.

کمونیستهای و اصعبی ایران امروزه حل مسائلی انقلاب دمکراتیک و در بر سر آزادیهای سیاسی را از اهداف مبارزه خود قرار میدهند. دفاع کمونیستها از آزادی و دمکراسی در حاکمیت که از ذات مکتب رها بی سخن پرولتاریا نشات میگیرد در شرایط کنونی حاکمیت از این روست که وجود آزادیهای سیاسی در حاکمیت معده را بر سر مبارزه طبقاتی هموار میکند و در نتیجه آن نه تنها استبداد گرایان حزب جمهوری و شرکاس بلکه لیبرالهای سازشکار هم در تحلیل نهایی باز سوده خواهند شد.

هاشین سازی

بقیه از صفحه ۹۰
به انحصار در آوردن قدرت، با بستن همه دستا و ردها و انقلاب را لگدمال کنند و دست ما را کشف ترین عناصر حسیب یعنی ساواکی های مفسون گردند. این عده نوظفد که حتی احکام بازگشت عده ای از سوابقها را آماده داشتند تا با آمدن شدن "جو" آنها را رسمیت بخشند که تبرشان به سبب خسورد.

یادداشتی بر اجتماع امجدیه

رومانه

علی گجر

بکدیگر نزدیک است و بسنا
برای این در شرایطی که استبداد
حزب جمهوری هر روز فراگیرتر
و آشکارتر میشود پاره‌ای نیرو
های ناآگاه توده‌ای هم بسه
سمت گیری با لیبرال‌های
مفوضی مانند بازرگان می
پردازند و سازشکاری او را
توجیه میکنند و اتفاقاً صالحه
اصلی نیروهای انقلابی و کثوف
نیستها در ارتباط با روشنگری
در مورد این سخنرانی‌ها هم
با ایدمتوجه این دسته سوم با شد.
شک نیست که آقای
بازرگان را همراه با همقطا -
راش از قماش دکترین‌سزوی و
صباغیان و سخا بی، مردم
ایران می شناسند اینها همان
کسانی بودند که محصول قیام
بهمن ماه ۱۳۵۷ را از جنگ ملت
قاپیدند و همراه با بهشتی و
با رانش اردوی سازشکاری زیر
لواء انقلاب اسلامی و جمهوری
اسلامی را بنیاد گذاشتند.
آقای مهندس بازرگان کسی
است که در دوران محمدرضا شاه
بقول خودش از مبارزه اصلاح
طلبانه با استبداد فراعشران
او و پاراننش بودند که در شرایطی
که قیام مردم ما عوامل ارتجاع
عی را از مبهم ما فراری میداد
و با به تیغه عدالت میسپرد
سازش با دشمنان خلق را پیشه
کردند. او و پاراننش کسانی
هستند که مدت ۹ ماه عمر دولت
موقت هیچ نکردند جز اینکه
با سازشکاریهای مفرط بسا
امپریالیسم و بقایای رژیم
محمدرضا شاه برکوره شد
انقلاب دمیدند و با ضدیت بسا
کارگران، دهقانان و روشنان -
فکران و سربازان و ملت های
مختلف ایران هم برآشش
انقلاب آب پا شدند. آری
بقیه در صفحه ۲۵

لیبرال را بفال نیک گرفتند
و خرم و شاد با با زاینکه احتمالاً
طهور جدید مهندس ویا را نشش
راه را برای بازگشت آنها
و همکارانشان در کرسی‌های
تعیین کننده در حاکمیت هموار
سازد به میعادگان هشان آمده
بودند. بجز اینها دارو دسته‌های
چماقدار که در مکتب حزب جمهو -
ری اسلامی آموزش دیده اند هم
به رهبری و مشاورت پاره‌ای از
توده‌ای و اکثریتی‌ها بودند
که بیشتر به بی اعتبار کردن
خودشان پرداختند. اما بشیراز
این سه گروه تعداد دیگری نیز
به سخنرانی آمدند چرا که به از
انحصار طلبی های حزب جمهوری
اسلامی به تنگ آمده بودند و
گمان داشتند که بازرگان در
واقع بعنوان یک نیروی مخالف
لایحه میدان میاید و کاسه و
کوزه حزب را بهم خواهد ریخت.
این یک واقعیتی است که در
میهمان سالهای طولانی
اختناق و استبداد، نیروهای
تحت ستم و فشار را همواره بسه

گردند تا شهت آزادیخواهان
مردم را در جهت اهداف ننگین
خود منحرف کنند که بگذریسم،
جماعت شرکت کننده از جنبه
جریان تشکیل میشدند؛ اول از
همه طرفداران سنتی و راست
شهت آزادی بودند که در واقع
احیای فعالیت پرخروش شهت

آقای بازرگان وعده‌ای
از همفکران نشان در میان نما -
بندگان مجلس شورای اسلامی
در هفته‌ای که گذشت کرده‌ام
را در میدان امجدیه برگسزار
کردند. از عده‌ای طرفسداران
بختیا رو عتا سرسلطنت طلب که
این روزها دنبال بیانه می

راهپیمائی کارگران مینو

تفرقه افکنی، شایعه پراکنی و تهدید و سرکوب کار همیشه
استشمارگان و جیره خواران آنهاست. هر جا که زحمتکشان برای
کسب حقوقشان به مبارزه برخیزند، چپا و لنگران ساکت ننشسته
و با دسیسه چینی به مقابله میپردازند. ما با بداین واقعیت
آشکارا قبول کنیم که طبقات زحمتکش با طبقات استعمارگر
مرتب در حال کشمکش و جنگ و ستیز هستند. یکی حقش را میخواهد
و دیگری در صدد با لا کشیدن دست رنج اوست. یکی برای بهبود
شرایط زندگی خود تلاش و مبارزه میکند و دیگری برای سرکوبی
و خفه کردن این مبارزه بحق برنا میبازد. استشمارگان
بزای پیش بردن مقاصد خود راه و روش خاصی دارند. آنها از همه
چیز و همه کار برای رسیدن به هدف شومشان استفاده میکنند.
زبان چرب و نرم، وعده‌های سرخس، سوء استفاده از امتقادات
مذهبی زحمتکشان، ایجاد
شوراهای قلابی، مظلوم‌نمایی
و نظا هربه ضروریان، اجیر
کردن بعضی از کارگران خود
فروخته، تفرقه اندازی مابین
کارگران، ظاهرا سازی فریبنده
تهدید، و عاقبت لشکرکشی و
سرکوب انواع واقسام روشهای
است که استشمارگان برای
ادامه استعمار در پیش میگیرند.
ما چه کارهایی باید انجام
دهیم تا در مبارزاتمان پیروز
شویم؟
آگاه کردن کارگران،
مشکل کردن آنها، و برنام
ریزی دقیق سه اصل مهم و اساسی
است که بدون هر یک مبارزه بسا
شکست مواجه میشود. ایس
بقیه در صفحه ۱۶

اخباری از سایر کشورها

شوروی - گروهانگیری را محکوم می‌کند!

در نامه وزیر امور خارجه شوروی آندره گرومیکو به وزیر
خارجه آمریکا هیک که توسط سفارت شوروی در واشنگتن معلنی شد،
گرومیکو آمریکا را به مداخلة آشکار در لهستان و دیگر اعمسال
خصوصت آمیز متهم نمود. ولی نکته جالب توجه در این نامه
مواضع شوروی در باره جاسوسان آمریکا بی در ایران میباشد.
وی در ادامه نامه خود می‌نویسد "واشنگتن هرگز کلامی تشکر آمیز
نسبت به محکوم کردن گروهانگیری در ایران از طرف مسکوا برار
ننموده و سعی در مخدوش نمودن موضع شوروی کرده است." شوروی
عمل اشغال لانه جاسوسی آمریکا را بی درنگ محکوم نمود و آنرا
شخص قرار داد و بین در روابط بین المللی خوانند و سپس در شورای
امنیت سازمان ملل رای به محکومیت ایران داد. ولی ما بسه
آقای گرومیکو مطمئنان خاطر می‌دهیم که مردم ایران از مواضع
"مشمشانه" همسایه شمالی خویش در مورد جاسوسان آمریکا کسی
مطلعند و تبلیغات واشنگتن هرگز
بقیه در صفحه ۲۴